از دیدگاه قرآن و حدیث



روانشناسی رنگها و بررسی ۵ رنگ ذکر شده در قرآن

گروه تحقیق: فاطمه بال افکن کارشناسی ارشد علوم قرآنی و
مدرس دانشگاه پروین خدری کارشناس الهیات، سهیلا پور بابادی
با نظارت: دکتر محمد بیستونی


بسم الله الرحمن الرحیم

رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و روایات

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و روایات (روانشناسی رنگ ها و بررسی ۵ رنگ ذکر شده در قرآن)

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی ، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث (روانشناسی رنگ ها و بررسی ۵ رنگ ذکر شده در قرآن) / گروه تحقیق فاطمه بال افکن، پروین خدری، سهیلا پوربابادی؛ با نظارت [صحیح: مولف] محمد بیستونی.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: [۱۹۶] ص.؛ ۱۴ × ۱۰ س م.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۳۹۹-۵۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۵ - ۱۹۶]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: روانشناسی رنگ ها و بررسی ۵ رنگ ذکر شده در قرآن.

موضوع: رنگ -- جنبه های قرآنی

موضوع: رنگ -- احادیث

شناسه افزوده: بال افکن، فاطمه

شناسه افزوده: پوربابادی، سهیلا

شناسه افزوده: خدری، پروین

رده بندی کنگره: BP۱۰۴ /ر۸۴ب۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۸۵۵

ص:۱

اشاره

مقدمه

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَم النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِّبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّهَ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ، الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ الْاَوْلِیاءَ وَ یا مُذِلَ الْاَعْداءِ اَیُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَ السَّماءِ قَدْ مَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را به عهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیر تفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی به رویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین.

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(صفحه ۶)

تقدیم به

مکتب عشق بماناد و سیه حجره غم که در او بود اگر کسب کمالی کردیم

اجر معنوی این اثر را به رسم نیکوی اهل قلم تقدیم می داریم به استاد بزرگوارمان مرحوم حاج شیخ عبداللّه محمّدی نجات (ره) که سیره عملی اش همواره فرا روی شاگردانش بوده است.

ص:۷

مقدمه

حمـد و سـپاس خداونـد مهربان را که هدایتگر بندگانی است که در عرصه صـراط مسـتقیم نو قدمند و موجب امید و سـرور و ابتهاج قلوب مؤمنین. خدایی که ما را از عدم به بهترین صورت وجود رساند. غرق در نعمت نمود و در تمام لحظات با محبتش زنـدگی را برایمان صـیقل داد آن گونه که همه چیز را منور از نور او می بینیم و اگر کـدورتی هم باشد و لایه ای حجاب همه از قصور ماست.

خداوند آن زمان که بر انسان منت نهاده و او را به ظهورش رساند و زمین را برایش مسـکنی برای سـکینه و آرامشـش قرار داد در کنارش موجودات بی شماری را وجود بخشید که تنها هدفشان تعالی انسان است.

اما تنها خلق و خلقت آنها نبود بلکه تزریق رنگ و تنوع غیرقابل تصور آنها

ص:۸

صرف زدودن یکنواخت و کسالتی نیز بود که طی مسیر را برای انسان البته روان تر خواهد کرد.

آیا تاکنون به زندگی بدون رنگ اندیشیده اید؟ چه تصویری از طبیعت بی رنگ دارید؟ زندگی و طبیعت به هر صورت زیباست اما رنگ به جز زیبایی و جلاء روح بخش، طرب انگیز و جانفزا نیز هست. خداوند همه چیز را از خاک آفرید اما هستی را به رنگ های زیبا مزین نمود تا انسان ها شادی و آرامش یابند. رنگ قدرتی ویژه برای شفای روح و جسم ما انسان ها دارد. امروزه با کمک علم روانشناسی رنگ ها به بسیاری از خصوصیات فردی و تأثیر هر رنگ در روحیات و شخصیت انسان ها پی برده اند.

رنگ ها در هر جایی از دنیا و به تناسب فرهنگ و عرف هر جامعه معانی

متفاوت و حتی متضاد دارنـد برای مثال رنگ سـفید در کشوری مثل ایران نشان شادی و پاکدامنی است و برای مراسم جشن و عروسی استفاده می شود در حالی که در بعضی از کشورها نشان روحانیت است و در مراسم عزاداری کاربرد دارد. متأسفانه به دلیل جذابیت روانشناسـی رنگها، این شاخه از علم مورد سوء اسـتفاده قرار گرفته است و در هر سایت و مجله و روزنامه از این مطالب زیاد دیده می شود ولی درست یا غلط بودنشان مشخص نیست. اینک دفتری که گشوده شده است اولین دستاورد یک طرح پژوهشی است با عنوان «رنگ شناسی یا روانشناسی رنگها در قرآن کریم».

ص:۱۰

روانشناسی رنگ ها در قرآن کریم

در قرآن کریم آیات تأمل برانگیزی درباره رنگ وجود دارد که نشانگر عمیق بودن مسائل مطرح شده در این کتاب ارزشمند است.

از جمله در ایرادات بنی اسرائیل که قوم بنی اسرائیل از موسی صلی الله علیه و آله می گرفتند می توان اشاره کرد خداوند به پیامبر بنی اسرائیل وحی صریح و قاطع می فرستد که باید گاوی را ذبح کنند بنی اسرائیل که زیر بار ذبح گاو نمی رفتند مداوم بهانه هایی را مطرح می کردند از جمله اینکه گاو باید پیر باشد یا جوان؟ از کار افتاده باشد یا کاری؟ چه رنگی باشد و ... پیامبر هم از طریق وحی به آنان جواب می داد تا اینکه سرانجام وصف کاملی از آن به دست داد و به این بهانه های بنی اسرائیلی خاتمه داد.

ص:۱۱

آنچه با بحث حاضر ارتباط دارد آیه ۶۹ سوره بقره است که «گفتند از پروردگارت بخواه برای ما روشن کند که آن رنگ چیست؟ گفت امر فرماید آن گاوی زرد است که رنگش «زرد روشن است و بینندگان را شاد می کند».

بحث ما پیرامون همین رنگ زرد روشن است که بینندگان را شاد می کند، همه ما به حس و عیان بعضی گاوها یا اشیاء زرد خوشرنگ را دیده ایم که دیدن آنها حال و حالت خوشی را در انسان ایجاد می کند. همچنانکه برخی رنگ سفید را نشانه صلح و صفا و تسلیم می شمارند و رنگ سیاه را نشانه عزا یا وقار می دانند. شعار عباسیان رنگ سیاه بود و رنگ سبز را نشانه معصومیت می انگاشتند (چنانکه شعار بنی هاشم یا سادات بود) یا سرخ که نشانه خون خواهی و انقلابی گری بود این مسأله را از دو جنبه می توان بررسی کرد یکی

سمبولیسم رنگها یا نماد پردازی دیگری روانشناسی رنگ ها.

از زمانی که قرآن رنگ زرد روشن را شاد کننده نامید تا زمانی که روانشناسی رنگ ها مورد بحث علمی قرار گرفت بیش از ۱۲ یا ۱۳ قرن گذشته است.

امروزه روانشناسان به ارزش روانی رنگهای گوناگون توجه کرده و در آنها تحقیق دارند مثلاً رنگ اتاق و اثاثیه آسایشگاه هایی روانی را زرد روشن انتخاب می کنند زیرا این رنگ را شاد کننده یافته اند که می تواند اثر آرامش دهنده و تسکین دهنده برای اعصاب و روان بیماران حساس و زود رنج داشته باشد، البته این تأثیر فقط بر بیماران روانی نیست بلکه بر همه انسان ها چنین تأثیری دارد. اگر چشم در دیدن زیبائی ها ما را بیشتر یاری کند خیلی زود خواهیم فهمید که براستی زیبایی درختان به رنگ سبز و زردشان محتاج است.

ص:۱۳

گـل هـا را چگونه می بینیم اگر به رنگی آراسـته نشـده باشـند، آسـمان آبی را بیش از همه غرق در رنـگ می بینیم گو اینکه بدون آن هرگز به ذهن نمی آید حتی در گوناگونی رنگ هایش سـر در گمیم آیا هنگام غروب خورشید رنگش زیباتر است یـا هنگام طلوع. این تنوع رنگ و زیبایی تنها درباره آسـمان نیست بلکه در همه هستی جاریست مثلاً چه کسـی از دیـدن سبزه (حتی مکرر) خسـته می شود؟ چه کسـی به رنگ کوه معترض می گردد؟ اگر به ما گفته شود رنگی را در طبیعت تغییر بـده تا بهتر شود آیا می توان چنین کرد؟ خیر. هرگز چون خداوندی که ذاتش زیباست مصدر و خالق این همه می باشد.

مسـلم اسـت که این بینش و برداشت راجع به رنـگ هـا در فرهنـگ زمـانه وحی و نزول قرآن نمی گنجیـد و فقـط وحی الهی توانسته است بیش از یک هزار سال بر پژوهش علمی رنگ ها سبقت گیرد.

ص:۱۴

پیشینه تحقیق

پروفسور لوشر از دانشمندانی است که حدود ۲۰ سال و اندی در این مورد تحقیق کرده است و رنگ ها را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده است. همچنین در قرآن کریم پیرامون رنگ مطالب جالب و بی نظیری آمده است که نشانگر عمیق بودن مسائل مطرح شده در این کتاب مقدس است.

هدف تحقیق

هدف از این کار پژوهشی شناخت رنگ ها و تأثیر آن از جنبه های مختلف با الهام از آیات قرآن کریم و احادیث و سخن اندیشمندانی است که در این راه زحمات بسیار متحمل شدند.

روش تحقیق

نگارش این مجموعه با الهام از شیوه تحقیق استاد ارجمند جناب آقای دکتر

بیستونی مؤلف کتب گرانقدر تفسیر بیان و جوان می باشد که همواره ما را از راهنمایی های ارزنده شان بی بهره ننموده اند در این شیوه سعی بر آن شده است تا ابتدا با رجوع به فهرستواره موضوعی قرآن کریم موضوع مورد علاقه خود را انتخاب نموده و سپس با رجوع به قرآن کریم و با استفاده از کتاب لغت شناسی آیات را ترجمه کرده و سپس با مراجعه به تفسیر بیان و جوان تفسیر آیات مورد بحث مطالعه و سپس با استفاده از منابع متعدد به توضیح و تبیین مسأله بپردازیم و در آخر از خداوند متعال امید داریم که ما را از لغزش ها مصون داشته و دل های ما را به نور ایمان منور فرماید و قلب آقا امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) را از ما راضی و خشنود گرداند.

مِنَ اللّه التَّوْفیق وَ عَلَیْهِ التُّکلان

اهواز زمستان ۱۳۸۴

فاطمه بال افکن، پروین خدری، سهیلا پوربابادی

ص:۱۶

نقش رنگ در زندگی انسان

دنیایی که ما نظاره گر آن هستیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است این دو عنصر عبارت است از «شکل» و «رنگ» که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند.

هر موجودی که در این دنیا به چشم می خورد ابتدا از لحاظ شکل و اندازه احساس می گردد، سپس در حالی که دارای پوششی از رنگ است مورد توجه قرار می گیرد. در عین حال رنگ علامت مشخصه هر شی طبیعی است.

چنانچه یک گل سرخ به خاطر رنگش از دور جلب توجه می کند و نظر بیننده را به خود معطوف می دارد و یک میوه رنگی، با رنگش اعلام می کند که رسیده است یا نارس است.

علیرغم وسعت کاربرد رنگ و حضور و تأثیر آن در زندگی انسان، معمولاً

اکثر افراد نسبت به آن توجه کافی ندارند شاید به خاطر وجود آن در همه حالات و همه لحظات زندگی است که اهمیت خود را از دست می دهد و ما را نسبت به خود بی تفاوت و بی انفعال می سازد.

در هر حال انسان پدیده رنگ را مانند آفتاب قبول دارد و می داند که قسمت مهمی از زندگی روزانه انسان با آن مواجه است لیکن علیرغم بی تفاوتی ما در برابر رنگ ها، از درک و احساس زیبایی آن عاجز نیستیم. رنگ ها پدیده قابل تحسینی هستند، خصوصا زمانی که به طلوع و یا غروب آفتاب نظر بیندازیم و در مقابل تابلو رنگارنگی بایستیم شور و نشاط زندگی را بیشتر احساس می کنیم لیکن ضرورت آن به اندازه ای نیست که نتوانیم با کمبود آن از زندگی محروم باشیم، چنانکه افراد کور رنگ به خوبی می توانند به

ص:۱۸

زندگی خود ادامه دهند و نیازهای خود را برآورده سازند.

علاوه بر این، رنگ ها نقش مهمی در زندگی عاطفی و معنوی ما بازی می کنند، ما به درخشش روزهای آفتابی و شادابی رنگ ها تمایل بیشتری داریم و از هوای ابری و خاکستری خسته می شویم. رنگ های پر زرق و برق ما را آشفته می سازند و رنگ های ملایم و هماهنگ برایمان خوشایندند. ما پارچه های رنگین و اشیاء خوشرنگ مثل گلها، درختان سبز، آسمان لاجوردین و تپه های بنفش را می ستائیم.

رنگ ها مسرت خاطر ما را افزون می سازند و بر سلامتی انسان اثر می گذارند، اشیاء را به خاطر تفاوت رنگ هایشان از هم تمییز می دهیم و فاصله آنها را حس می نمائیم. به همان اندازه که رنگ ها برای انسان های متمدن جالب و

ص:۱۹

ضروری می باشد برای اقوام ابتدایی نیز لازم و ضروری بوده است زیرا توجه به این نعمت الهی در فطرت همه انسان ها به ودیعه گذاشته شده است.

ابتدایی ترین انسان ها کلبه های محقر خود را با انواع رنگ ها می آراستند و ابزار و آلات و ظروف مورد نیازشان را با رنگ های گوناگون و باشکوه آرایش می دادند. آنها مانند انسان امروزی زینت آلات مختلف به دست و گردن خود می آویختند و هر گاه به میدان جنگ می رفتند خود را با تجهیزات و لباس های جنگی الوان و درخشنده زینت می دادند تا حیرت و وحشت در دل دشمن ایجاد کنند.

انسان در تمام دوران ها با رنگ سر و کار داشته و به نحو شایسته ای از آن استفاده نموده است. مصری ها، یونانیان و ایرانیان رنگ را به طرق مختلف در

زینت لباس ها و تزئینات ساختمان ها به کار می برند. به طور کلی رنگ ها در تمام دوران ها و زمان ها توجه انسان را جلب نموده و می نماید. انسان می کوشد تا اسرار و رموز آن را بشناسد و در زندگی خود به کار برد.

منبع الهامات انسان طبیعت است و قوانین و فرمول های خود را از رنگ طبیعت دریافت می کند. پیشرفت علم و تجربیات محققین نیز، طرق مختلفی برای احساس و فهم رنگ ها به وجود آورده است.

خصوصا در دو قرن اخیر فیزیکدانان، شیمیدان ها، فیزیولوژیست ها، روان شناسان و جامعه شناسان و اخیرا هنرشناسان مسائل مربوط به رنگ و نور و جریانات مربوط به بینایی را مورد مطالعه عمیق و علمی قرار داده اند.

گرچه هنوز بسیاری از رموز رنگ ها ناشناخته مانده است لیکن با کوشش

مشترک محققین و توجه هنرمنـدان، انتظـار می رود که اسـرار و رموز رنگ ها بیش از پیش شـناخته شود و با ذکاوت و هوش خود، قواعد و قوانین تازه ای کشف کنند و راه های جدیدی برای شناسایی کامل تر این پدیده مهم بدست آورند. (۱)

انسان ها غالبا سـلایق خاصی در انتخاب رنگ ها داشته و هر کسی رنگ به خصوصی را بیشتر از سایر رنگ ها دوست دارد و بایـد گفت رنـگ هـا بسان پل هایی هسـتند که وجود فیزیکی و روحی انسان ها را با سایر جزئیات و پدیـده های جهان هستی ارتبـاط می دهنـد، این ارتبـاط و تـأثیر به حـدی است که حتی انسـان هـا در کلمـات و جملاـت خود نیز برای بیـان احساسـات درونیشان از رنگ ها استفاده

۱- کتاب رنگ، جوهاهزاتین، ترجمه محمد حسین حلیمی، ششم، ص ۶.

کرده و آن را بیان می دارند. انسان ها در رابطه با رنگ ها اشتراک عقیده ندارند یعنی هر فردی نسبت به رنگی تابعیت و دافعیت خاصی داشته و واکنش خاصی را از خود نشان می دهد.

منشأ اهمیت رنگ

زندگی بشر اولیه تحت تأثیر دو عامل قرار داشت که خارج از کنترل او بود این دو عامل عبارت بودند از روز و شب و تاریکی و روشنایی. شب محیطی را پدید می آورد که فعالیت بشر را متوقف می کرد و لذا بشر اولیه به غار خود پناه می برد و خود را در پوست حیوانات می پیچد و به خواب می رفت و یا از درختی بالا می رود و در انتظار فرارسیدن روز می ماند. روز موجب محیطی بود که در آن کار و عمل جریان پیدا می کرد و بشر اولیه دوباره دست به کار می شد تا توشه

مواد غذایی خود را پر کند یا به جستجوی شکار بپردازد.

شب به همراه خود، بی حرکتی، آرامش و کاهش عمومی سوخت و ساز و فعالیت جسمانی را می آورد و به انسان نیرو می داد. رنگ های مرتبط با این دو محیط، عبارتند از رنگ آبی متمایل به تیره. رنگ آبی متمایل به تیره، رنگ آرامش و عدم فعالیت است. در حالی که رنگ زرد روشن رنگ امید و فعالیت است. چون این رنگ ها نشانگر محیط های شب و روز هستند، از این رو عواملی بشمار می آیند که انسان را در کنترل خود دارند به جای اینکه عناصری باشند که در کنترل بشر قرار گیرند. به این جهت است که آنها را رنگ های غیر مستقل توصیف می کنند، یعنی رنگ هایی که مستقلاً در طبیعت تنظیم می شوند شب (رنگ آبی متمایل به تیره) بشر را ناگزیر می کند که از کار دست کشیده و

استراحت نماید ولی روز (رنگ زرد روشن) به فعالیت میدان عمل می دهد، بدون آنکه انجام فعالیت را الزامی سازد.

از نظر بشر اولیه، فعالیت آئینی بود که به دو صورت ظاهر می شد یا به شکار می رفت و حمله می کرد و یا اینکه شکار می شد و از خود در برابر حمله دفاع می نمود. عملیات مربوط به حمله یا پیروزی معمولاً ـ با رنگ قرمز نشان داده می شود در حالی که رنگ سبز مظهر دفاع از خود بود.

چون اعمال بشر اولیه، اعم از حمله (رنگ قرمز) یا دفاع (رنگ سبز) حداقل در کنترل او بودند، لذا این عوامل و رنگ ها را مستقل یا «خود تنظیم کننده» توصیف کرده اند.

از سوی دیگر حمله یک عمل اکتسابی (کسب مال یا قدرت) بوده و فعل صادره

از آن «فعالیت» به شمار می آید، ولی دفاع فقط محدود به خود شخص می باشد و لذا یک عمل «غیرفعال» است.

چگونگی تشکیل رنگ

هر رنگی که در اشیاء و موجودات عادی مشاهده می شود چیزی جز بازتاب بقایای انرژی نورانی با ماده نیست، نهایت بر حسب جنس و نوع و ساختمان شیمیایی و خواص فیزیکی هوشی، اشعه نورانی پس از برخورد با آن تجزیه شده و قسمتی از آن جذب شده و بدین وسیله رنگ ها یا اشعه ای با طول موج های معین حذف شده و مازاد آن در بازتاب از اشیاء به صورت دسته ای دیگر از اشعه یا رنگ های مختلف به چشم می خورد. (۱)

ص:۲۶

۱- آئین بهزیستی،دکتر احمد صبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،اول،جلد۲،ص۷۴.

فیزیولوژی رنگ ها

آزمـایش هـایی که در آن افراد را وادار به تفکر درباره جنبه روانی رنگ قرمز سـیر در زمان هایی با طول مـدت متفاوت کرده انـد، نشان داده است که این رنگ سیسـتم عصبی را تحریک می کند یعنی فشار خون را بالا می برد و تنفس و ضـربان قلب را سریع تر می کند. لذا رنگ قرمز از لحاظ تأثیری که بر سیسـتم عصبی و خصوصا شاخه سـمپاتیک سیستم عصبی خودکار دارد یک عامل محرک بشـمار می آیـد. از سوی دیگر آزمایش هایی مشابه که در مورد رنگ آبی سـیر صورت گرفته است، نتایج معکوسـی را بـدست داده است یعنی فشـار خون پـایین آمـده و از سـرعت تنفس و ضـربان قلب کاسـته شـده است. رنگ آبی متمایل به تیره (سرمه ای) تأثیری آرام بخش دارد و اصولاً در شاخه پارا سمپاتیک

ص:۲۷

سیستم عصبی خودکار عمل می کند.(۱)

اثرات مختلف رنگ ها

هریک از رنگ ها از لحاظ روحی و عصبی و حتی زیستی و حیاتی آثار کیفی مخصوص به خود دارند بطوریکه امروزه با توجه به آثار مختلف رنگ ها در عالم طب و بهداشت و صنعت و حتی در زندگی روزمره رنگ ها کاربرد وسیعی پیدا کرده اند. در ابتدا لازم است به یک اصل کلی توجه شود و آن اینکه وقتی درباره اثرات گوناگون رنگ ها صحبت شود و مثلاً نور قرمز را محرک و نور آبی را آرامبخش و دارای اثر تسکینی معرفی می کنیم منظور این نیست که این اثرات

۱- روانشناسی رنگ ها، دکتر ماکس لوشر، ترجمه ویدا ابی زاده، نهم، ص ۲۲.

شدید بوده و مثلاً از نور آبی می توان به عنوان یک داروی مسکن مؤثر در تسکین دردها یا تخفیف آلام عصبی استفاده کرد بلکه منظور آثاری در حداقل مراتب شدت است.

خلقت رنگها

وجود انواع رنگ ها در عالم طبیعت امری بی اهمیت یا تصادفی نیست بلکه خود مبین دخالت عالی ترین درجات حکمت در امر آفرینش است هرچند که انسان به جهت خو گرفتن به آن حتی از وجودش غافل شده و به علت محدودیت دید، فهم، درک و اطلاعات از درک اهمیت آن عاجز و ناتوان است.

آفریدگار دانای عالم هستی جهان را رنگی خلق کرده است و انسان را نظاره گر اصلی این جهان رنگارنگ، رنگ در کنار شکل و جنسیت از

عوامل مهم تشخیص و شناخت انسان از محیط پیرامون خویش است.

وجود رنگ ها در طبیعت یکی از نشانه های وجود حکمت در آفرینش است زیرا علاوه بر آثار و خواصی که هریک از رنگ ها دارند جلوه و زیبایی خاصی به محیط زندگی انسان می دهند. زندگی در محیطی یک رنگ و خالی از تنوع رنگ ها برای انسان خسته کننده و یکنواخت است و روح را کسل و بی تفاوت می سازد.

با توجه به خاصیت های مختلف رنگ هایی که انسان در طول زندگی از آن استفاده می کند می تواند تعدیل روحی، روانی، شادابی و نشاط را برای انسان ایجاد می کند.

با گذشت زمان و استفاده انسان از رنگ های مختلفی که از ترکیب رنگ ها به وجود می آید و لذتی که بشر از تنوع رنگ ها می برد عظمت پروردگار را متوجه

می شود که در طبیعت تمـامی این رنگ ها را به وجود آورده و ما در فصول مختلف و در بیابان های سـرسبز و خرم این رنگ ها را مشاهده می کنیم.

تردیـدی نیست که بـا حـذف رنـگ هـا از خمره هـای طبیعت، زیبایی و جمال طبیعت نیز از بین می رود که با توجه به اصالت فطری حس زیبـایی در انسـان و نقش و اهمیت آن در زنـدگی او می توان به اهمیت وجود رنـگ هـا پی برد. از این رو وجود رنگ ها در عالم خلقت یکی از بزرگترین نشانه های حکمت خداست.

امـام صـادق علیه السـلام خطـاب به یکی از شاگردان خویش به نام مفضل اشاره به این حقیقت نموده و فرموده است اگر میوه هـایی که می خوریم بر زمین می روییـد و بر شاخ درختان نمی بود خللی بسـیار در امور معاش به ما می رسـید هرچنـد از میوه بهره مند می شویم منافع حاصل از چوب،هیزم،علف و غیره نیز برای بشر وجود دارد.

لـذتی که آدمی از دیدن گیاهان سبز، درختان خرم، گل های رنگارنگ و شـکوفه های گوناگون به انسان دست می دهد غیر قابل مقایسه با سایر لذت هاست.(۱)

رنگ از دیدگاه امام صادق علیه السلام

از دیـدگاه امـام جعفر صـادق علیه السـلام وجود گـل های رنگارنگ و شـکوفه های گوناگون که جلوه زیبایی خود را قبل از هرچیز مـدیون رنگ آمیزی های بدیع طبیعت هسـتند از جمله اهم آیات الهی و نشانه های تدبیر خدا در آفرینش جهان معرفی می شود.

ایشان می فرمایند:

در رنگ آسمان که خداوند آن را به این رنگ آفریده که موافق ترین رنگهاست

۱- توحید مفضل، ص ۱۶۲.

تفکر نما برای آنکه دیـده و نور چشم را تقویت می نمایـد حتی آنکه اطباء می گوینـد که اگر کسـی را ضـعفی در دیده پدید آمده باشد باید نظر به کبود مایل به سیاهی کند بعضی از طبیبان حاذق برای کسی که کندی در بینایی او ایجاد شده بود حکم کرده بودند که پیوسته نظر در ظرف کبودی که مملو از آب باشد کند پس تفکر کن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل به سیاهی گردانیده که مکرر نظر کردن به آسمان بر دیده ها ضرر نرساند. (۱)

۱- توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی، ص ۱۲۱.

رنگ نعمت های الهی

رنگ نعمت های الهی

«وَ ما ذَرَاَلَكُمْ فِى الْاَرْضِ مُخْتَلِفا اَلْوانُهُ اِنَّ فى ذلِكَ لَاَيَهً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ:

در زمین آنچه برای شما آفرید به انواع گوناگون درآورد در این کار هم آیت و نشانه الهیت بر مردم هشیار پدیدار است».(۱)

اسلام دین فطرت است و در آئین مقدس فطرت پاک انسانی نه تنها نفی نشده بلکه انحراف از آن نهی شده و مطرود است. تعالیم اسلام همه بر اساس فطرت و بر مبنای برآوردن نیازهای طبیعی و جسمی و روانی انسان به حفظ اعتدال و با سمت گیری به سوی هدف اصلی که همانا کمال انسانی است می باشد.

۱- ۱۳ / نحل.

الف رنگ عسل

«وَ اَوْحی رَبُّکَ اِلَی النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمّا یَعْرِشُونَ. ثُمَّ کُلی مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُکی سُبُلَ رَبِّکِ ذُلُلاً یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُهُ فیهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ اِنَّ فی ذلِکَ لاَیَهً لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ:

پس از میوه هـای شـیرین تغـذیه کنیـد و راه پروردگارتان را به اطاعت بپوییـد آنگاه از درون آن شـربت شـیرین به رنگ های مختلف بیرون آید که شفای مردمان است. در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پیداست».(۱)

منظور همان عسل که دارای رنگ های مختلف است بعضی سفید بعضی زرد

ص:۳۵

۱- ۶۸ و ۶۹ / نحل.

و بعضـی قرمز سـیر و بعضـی مایـل به سـیاهی که برای بیشترین امراض شـفاء است و این رنـگ عسل به رنگ عشـرات گیاهان بستگی دارد که زنبوران بر آن می نشینند. بر حسب آنکه زنبور برچه گلی و چه میوه ای نشسته و از آن بهره ای برای به وجود آوردن عسل برداشته رنگ عسل تفاوت می کند.(۱)

رنـگ عسـل هـا بـا رنـگ گل های مربوطه نسـبت مسـتقیم دارد رنگ های گوناگون عسل نیز از عناصـر قنـدی و نتیجه فعل و انفعالات مربوط به آنهاست.

از رابطه بین «کُـلِّ الثَّمَرات» و «مُخْتَلِفٌ اَلْوانُه» دریافت می شود که رنگ های مختلف در نتیجه بهره برداری از گل ها و ثمرات مختلف آنهاست. قرآن با عبارت

۱- المیزان، محمدحسین طباطبایی، جلد ۱۲، ص ۴۳۴.

«مُخْتَلِفٌ اَلْوانُه» این مطلب را متذکر می شود که طبع بشر همیشه باید غذاهای گوناگون در اختیارش باشد از جمله سرشت های واقعی او است که از قدیم الایام تاکنون نظر همگان را جلب کرده و از دیر زمان با ادویه جات و امروز با مواد صنعتی و شیمیایی غذاها را رنگارنگ می سازند.

ب رنگ جمادات و حیوانات

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفا اَلْوانُها:

آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرود آورد و به آن میوه های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و در زمین از کوه ها طرق زیاد و اصناف و رنگ های مختلف سفید

ص:۳۷

و سرخ و سیاه خلق فرمود».(۱)

تفاوت الوان از یک سو زیبایی خاصـی به کوه ها می بخشد و از سوی دیگر سـبب برای پیدا کردن راه ها و گم شدن در جاده های پر پیچ و خم کوهستان است و در نهایت دلیل است بر قدرت خدا بر همه چیز و کوه ها با رنگ های مختلف و جاده های کوهسـتانی بـا الوان گونـاگون نشـانه ای از عظمت و قـدرت و حکمت اوست که هر لحظه به شـکلی درمی آیـد و هر زمان به لباس دیگر خود را می آراید. در اینجا جماد به رنگ های سفید، سرخ و سیاه چون الماس و عقیق و زغال سنگ و

بال و پر، شاخ و سم ها، مو و یال حیوانات همه و همه از رنگ های مختلف تشکیل

۱- / فاطر.

گردیده است.

در زمین شناسی و معدن یابی و مهم تر از همه شناسایی آفرینش در رنگ های قرمز و نارنجی و رنگ هایی که در این قلمرو هستند به کوه ارتباط دارند در بین دامنه وسیع آن در شناخت مناطق آتش فشانی مؤثر می باشد همه از رموز آیات الهی است.

«وَ مِنَ النّاسِ وَ الدَّوابِّ وَ الْأَنْعامِ:

و از اصناف مردم و اجناس جنبندگان و حیوانات نیز به رنگ های مختلف آفرید». (۱)

ص:۳۹

۱- ۲۸ / فاطر.

همین گونه بندگان هم مختلفند و از میان اصناف بندگان تنها مردمان دانا مطیع و خداترسند و البته خداوند عزتمند و آموزگار است در این آیه تنوع رنگ های در انسان ها و جانوران دیگر مطرح شده می گوید از انسان ها و جنبندگان و چهارپایان نیز افرادی آفریده شده که رنگ های متفاوتی دارند. انسان ها با اینکه از یک پدر و مادرند و دارای نژادها و رنگ های کاملاً متفاوت اند بعضی سفید همچون برف و بعضی سیاه و در این جهان از نژادها و رنگ های کاملاً متفاوت سفید، سیاه، زرد، سرخ را می توان نام برد. (۱)

۱- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، ج ۱۸، صفحه ۲۴۵.

ج شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس

«وَ لَهُ فی مَوْضِعِ الْعُرْفِ قِنزَعَهٌ خَضْراءُ هُوَ شاهٌ وَ مَخْرَجُ عُنُقِه كَالإِبْريقِ:

بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبز رنگ و پرنقش و نگار روییده و برآمدگی گردنش چونان آفتابه ای نفیس و نگارین است و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی وسمه یمانی (برگ گیاهی به رنگ نیل) رنگ آمیزی شده یا چون پارچه حریر برّاق یا آیینه ای شفاف که پرده بر روی آن افکندند. در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می باشد پنداری با رنگ سبز تندی درهم آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد کمتر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه اش آن را جلای برتری نداده

ص:۴۱

باشـد. طاووس چونان شـکوفه های پراکنـده ای است که باران بهاره و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چنـدانی نیست و شگفت آور آنکه هرچند گاهی از پوشش پرهای زیبا بیرون می آید.

«وَ اِذا تَصَفَّحْتَ شَعْرَةً مِنْ شَعَراتِ قَصَبِه أَرَتْکَ حُمْرَةً وَرْدِیَّةً و تارَةً خُضْرَةً زَبَرْجَدِیَّةً وَ اَحْیانا صُفْرَةً عَسْجَدِیَّةً:

اگر در تماشـای یکی از پرهـای طـاووس دقت کنی لحظه ای به سـرخی گل و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجـد و گاه به زردی طلای ناب جلوه می کند». (۱)

۱- نهج البلاغه، محمد دشتی، دفتر تبلیغات، چاپ شانزدهم، خطبه ۱۶۵.

د رنگ گل ها

رنگ گل ها، درختان، جانوران، گیاهان، دریاها و آسـمان ها همگی به حکمتی لایزال مربوط هسـتند. این لطافت و اختصاص رنگ به مخلوقات چنان است که موجود و مخلوقی متناسب با موجودیت و ماهیت خود متخلّق به آن رنگ درآمده است و در این میـان انسـان در بهره منـدی از این نعمت الهی جایگـاه ویژه ای دارد. وقـتی انسـان چشم خود را بـاز می کنـد دنیـایی پر از رنگ، نقاشـی ها و تصویرهای مختلف می بینـد که در آن هر شـیء واجد رنگی است. همان گونه که صدا بر اعصاب و روان انسـان تـأثیر می گـذارد رنـگ نیز در اعصـاب و روان انسـان و همچنین در رفتارهای اجتماعی او مؤثر است. هر فرد با توجه به خصوصیات درونی با رنگی انس داشته و آن را می پسندد. چشم انسان و در نهایت جسم و

روان او در گرو مشاهده رنگ هایی است که ضمن متعادل بودن از نوعی ملایمت و لطافت برخوردار می باشند. بنابراین پروردگار یکتا در خلقت طبیعت حکمتی را در نظر داشته است که بیشترین رنگ در طبیعت را از نوع رنگ آبی، سبز و خاکی قرار داده است رنگ هایی که در واقع تعدیل کننده نیازهای روانی و روحی انسان است و تأمین کننده سلامت چشم و تعادل در جسم و روح نیز هستند.

علاقمندی کودک به یک رنگ می تواند مشاوران و روانشناسان را به روحیات و شخصیت کودک و احیانا اختلالات رفتاری و روانی وی آگاه سازد.(۱)

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، چاپ اول، صفحه ۵۱.

ه رنگ گیاهان

«أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسَلَكَهُ يَنابيعَ فِی الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطاماً إِنَّ فی ذلِكَ لَذِكْرى لِأُولِی الْأَلْبابِ:

نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانیده و در زمین نهرها روان ساخت آن گاه نباتات گوناگون از آن برویاند باز از سبزی و خرمی روی به خزان آرد و تحیت بنگری که زرد شود و آنگاه خزان آن را خشک گرداند تا به وسیله آن صاحبان عقل متذکر قدرت

ص:۴۵

الهی شوند». (۱)

رنگ سبز گیاهان که یک سنتز کلروفیل است و رنگ های گل ها نقش اصلی در تلقیح و انتقال زندگی دارد، همه در نتیجه تأثیر نور و رنگهاست. ثابت شده است که رنگ های روشن خیلی خوشحال کننده و رنگ های تاریک غم انگیز و رنگ های قرمز تقویت کننده و محرک هستند همانطور که رنگ سبز آرامش بخش و استراحت دهنده است. تمایلات در برابر قرمز به صورت احساسات حمدآمیز جلوه می نمایند و در نور سفید تمام رفتارها متوسط هستند و نور سبز، نور سفید را تعدیل می کند.

۱- ۲۱ / زمر.

و رنگ میوه ها

«وَ هُوَ الَّذی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَیْ ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلى ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِنَّ فی ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ:

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: خدای تعالی عرش را از چهار نور آفریده است نور سرخ که هر رنگ سرخ از آن سرخ شده است، نور سبز که هر رنگ سبزی از آن سبز شده است نور زرد که هر رنگ زردی، از آن زرد شده است و

ص:۴۷

نور سفید که هر رنگ سفیدی از آن سفید شده است». (1)

(2)

(صفحه ۴۷)

ز رنگ پرندگان

«وَ نَسَقَها عَلی اِخْتِلافِها فِی الْاَصابیغِ بلطیفِ قُدْرَتِه وَ دَقیقَ صَنْعَتِه فَمِنْها مَغْمُوسٌ فی قالَبِ لَوْنٍ لا یَشُوبُهُ غَیْرُ لَوْنٍ ما غُمِسَ فیهِ وَ مِنْها مَغْمُوسٌ فی لَوْنِ صِبْغٍ قَدْ طُوِّقَ بِخِلافِ ما صُبغَ بِه:

پرندگان را با لطافت قدرتش و دقت صنعتش در رنگ های گوناگون با زیبایی خاصی رنگ آمیزی کرد گروهی از آنها را تنها با یک رنگ بیاراست که رنگ

(صفحه ۴۸)

ص:۴۸

۱- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، جلد ۸، صفحه ۲۰۲.

۲- ۹۹ / انعام.

دیگری در آن راه ندارد دسته ای دیگر را در رنگ مخالف آن فرو برد جز اطراف گردنشان که چونان طوقی آویخته مخالف رنگ اندامشان است». (۱)

روانشناسی رنگ

روانشناسی رنگ ها

آیا تاکنون به زندگی بدون رنگ اندیشیده اید؟ چه تصوری از طبیعت بی رنگ دارید؟ زندگی و طبیعت به هر صورت زیباست اما رنگ به جز زیبایی و جلاـ دارای انرژی های روح بخش، طرب انگیز و جانفزا نیز هست. خداوند همه چیز را از خاک آفرید اما هستی را به رنگ های زیبا مزین نمود تا جسم ما انسان ها دارد.

امروزه با کمک علم روان شناسی رنگ ها به بسیاری از خصوصیات فردی و

۱- نهج البلاغه، محمد دشتی، دفتر تبلیغات، چاپ شانزدهم، خطبه ۱۶۵.

تأثیر هر رنگ در روحیات و شخصیت انسان ها پی برده اند. با استفاده از رنگ های اصلی و مکمل، شفا بخشیدن و بازگشت سلامت و ایجاد توازن روحی را برقرار می سازند.

در شفابخشی و بازگشت سلامت با رنگ، طرق گوناگونی وجود دارد شما می توانید رنگ موردنظر را به صورت یک هاله یا لایه محافظ پیرامون خود یا عضو بیمار خود تجسم کنید. می توانید هوایی با رنگ موردنیاز خود را استنشاق کنید و همه حواس خود را بر بهبود متمرکز کنید یا از راه خوردن خوراکی های رنگی، گوهر یا بلوری با رنگ مناسب به سلامتی، نشاط و آرامش دست یابید.

رنگ ها بر نیازهای روحی روانی، شرایط یادگیری، کنترل رفتارهای خشمگینانه، احساسات، درمان افسردگی و اختلالات یادگیری و سطح انرژی اثر

ص:۵۰

دارند.رنگ ها در کنترل نبض،طپش قلب، فشار خون، اشتها و حتی خواب مفید هستند و همچنین در درمان بیماری هایی مثل میگرن، سرطان، اعتیاد و امراض پوستی و حتی تومورهای مغزی اثر دارند.

تأثیر روانی رنگ ها در انسان

تأثیر رنگ ها در انسان شدید و آنی نیست و با توجه به اثرات جزیی و انباشته شدن در مدت زمان طولانی آثار قابل توجهی را بر جای می گذارد و اگر فرد نتواند از تمامی رنگ ها و نورهای رنگ و تشعشعات آنها بهره مند شود دچار نوعی اختلال در رشد خواهد گردید. هرچه یک رنگ شدت بیشتری داشته باشد یعنی خالص تر باشد خودنمایی می کند، جلوه بیشتری دارد و دارای تحریک و پویایی بیشتری است.

ص:۵۱

استفاده از رنگ ها با شدت بیشتر محیط را فعال تر و پر جنب و جوش تر نشان می دهد و بر هیجان محیط می افزاید. اما هرچه شدت رنگ محیط کمتری می شود از تحرک آن کاسته شده و خاموش تر به نظر می رسد و در نهایت که به سمت خاکستری میل پیدا می کند رنگ کاملاً- خاموش، بی تحرک، ساکن و خنثی است. رنگ های تیره محیط را تاریک تر و کوچک تر نشان می دهند و برخلاف رنگ های روشن که بزرگتر جلوه می کنند محیط را روشن تر و پر نورتر جلوه می دهند.

در روانشناسی نوین «رنگ» و «رنگها» یکی از معیارهای سنجش شخصیت شمار می آیند زیرا که هریک از آنها تأثیر خاصی از نظر روحی و جسمی را در یک فرد باقی گذارده و رنگ نشانگر وضعیت روانی و جسمی وی می باشد این موضوع با توجه به پیشرفت های دو دانش فیزیولوژی

ص:۵۲

و روانشناسی به اثبات رسیده است.

ناگفته پیداست که انسان از روزگاران بسیار دور تاکنون تحت نفوذ و تأثیر رنگ های پیرامون خود بوده است و در صد سال اخیر که صنعت رنگ سازی به نقطه اوج تحول خود رسیده است، تأثیر مزبور دو چندان شده و در همه ارکان زندگی روحی ما رخنه کرده است.

تا پیش از قرن نوزدهم، فقط تعدادی رنگ و مواد رنگی شناخته شده بودند که بیشتر آنها ریشه آلی داشتند گران نیز بودند، بطوری که استفاده از پارچه های رنگی و مواد تزئینی فقط در انحصار ثروتمندان بود. صدها هزار حلزون زندگی خود را از دست دادند تا امپراطور روم بتواند ردای بنفش خود را به تن کند در حالی که رعایای او ناگزیر بودند به پوشیدن پارچه های پنبه ای پاکستانی ساده،

تأثیر روانی رنگ ها در انسان

ص:۵۳

پوست یا پشم حیوانات بسنده کنند.

فقط در صد سال اخیر بوده است که وضع یادشده سراپا دگرگون شد. امروزه هر چیزی را که بشر می سازد دارای رنگ است. هزارها رنگ از هر رنگ و نمایی که قابل تصور باشد، به وجود آمده اند و تقریبا برای هر منظوری، رنگ خاصی فراهم است. علاوه بر اینکه ما رنگ آبی آسمان، رنگ سرخ غروب آفتاب و رنگ سبز درختان و تمام رنگ های طبیعی را در اختیار داریم، اشیای ساخته شده به وسیله بشر، چراغ های نئون، تصاویر نقاشی، کاغذ دیواری ها و تلویزیون رنگی نیز پیوسته ما را مسحور خود می سازد.

این استفاده روزافزون از رنگ ها، همراه با رقابت فزاینده میان تولید کنندگانی که مشتاق افزایش فروش محصولات خود هستند تحول زیادی را در زمینه

ص:۵۴

روانشناسی رنگ پدید آورده است. هرچند که وقتی این روانشناسی وارد صحنه بازاریابی می شود بسیاری از پژوهش های آن در معرض آزمون و خطا قرار می گیرند. مثلاً- یک تولیدکننده شکر می داند که نباید محصول خود را در بسته سبز رنگ عرضه کنند در حالی که زیبائی های یک شیشه دهن گشاد قهوه ای رنگ حاوی شکر مدت ها در قفسه می ماند تا به فروش برسد.

رنگ های طبیعت در ما تأثیر گذارده اند و این آثار به گونه ای ژرف و اجتناب ناپذیر در جان و روح ما جایگزین شده است. مع ذلک در مورد چیزهایی که خریداری می کنیم، از آزادی انتخاب، به کار بردن دوست داشتنی ها و غیر دوست داشتنی ها، سلیقه ها و سنتهایمان برخورداریم. به خاطر همین ملاحظات است که یک تولیدکننده باید تحقیق کند تا مطمئن شود ما خریداران، جنس او را بر

ص:۵۵

کالاهای مشابه ترجیح می دهیم.

درباره یک نقاشی یا یک عکس رنگی باید گفت که اهمیت روانی رنگ ها معمولاً کمتر آشکار است زیرا عوامل بی شمار دیگری نظیر موضوع، تعادل شکل یا فرم، تعادل میان رنگ ها، میزان تحصیل و تخصص تماشاگر و درک زیباشناسی او دست اندر کارند.(۱)

روان شناختی رنگ ها

روان شناختی رنگ ها

رنگ ها در هر جا از دنیا و به تناسب فرهنگ و عرف هر جامعه معانی متفاوت و حتی متضاد دارند. برای مثال سفید در کشوری مثل ایران نشان شادی، پاکدامنی است و برای مراسم جشن و عروسی استفاده می شود در حالی که در

۱- روانشناسی رنگ ها، دکتر ماکس لوشر، ترجمه ویدا ابی زاده، ص ۱۹.

کشوری دیگر نشان روحانیت است و در مراسم عزاداری کاربرد دارد.

پروفسور لوشر از دانشمندانی است که حدود بیست سال و اندی در این مورد تحقیق کرده است او می گوید:

رنگ سیاه

لباس سیاه در مقام اضطرار یا به جهات خاص به کار برده می شود. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

«لا تَلْبَسُوا السَّوْداءَ فَاِنَّهُ لباسُ فِرْعَوْنَ:

لباس سیاه نپوشید که آن لباس فرعون است».

سیاه رنگی مطلق است که در فراسوی آن، زندگی تمام می شود سیاه یعنی نه، که نشانه ای از ترک عشق و انصراف از فعالیتهای جمعی است. به معنی نیستی،

ص:۵۷

ناامیـدی به آینـده و سـکوتی ابـدی است و حس سـنگینی را به افراد القا می کنـد تأثیر خوبی بر مزاج ندارد و در کودکان هم اثرات منفی دارد. دوسـتداران رنگ سیاه معمولاً خسته و افسرده اند اگر خسته نباشند راضی اند. اگر ناراضی نباشند، مغرورند. اگر هم انکار می کننـد در صورتی است که مغرور نباشـند. اگر انکار نکنند هم ناراضـی اند هم مغرور، هم خسـته و هم انکار می کنند اما احتمالاً خودشان هم خبر ندارند.

طرفداران سـیاه زیاد هم ناامید نشوند چون از طرفی دیگر سیاه نمادی از آبرومندی و شرافت است (دیده اید ماشین های شیک و باکلاس بالا معمولاً سیاه براقند).

رنگ سیاه در ورای پرده ای درهم ریخته و آشفته مخفی گردیده است.

ص:۵۸

بسیاری از افراد از این رنگ به عنوان رنگ درمان کننده احتراز می جویند ولی این رنگ در برخی موارد بسیار مفید می باشد. در زمانی که فرد دچار مشکلات روحی و بسیار آشفته حال است این رنگ می تواند حالت آرامش بخش و حفاظت کننده را ایفا کند.

این رنگ باعث می شود که احساسات زنانه در افراد به حرکت بیفتد و همین امر باعث می گردد که در وجودشان انرژی مغناطیسی نیرومندی را حس نمایند. رنگ سیاه از جمله رنگ هایی است که باید به اندازه مناسب مورد استفاده قرار گیرد زیرا اگر در لباس های مورد استفاده به وفور مورد استعمال قرار گیرد باعث

ص:۵۹

می گردد که فرد دچار افسردگی و آشفتگی روحی گردد.(۱)

در مقابل نور سفید، رنگ سیاه یا تاریکی قرار گرفته است که از لحاظ آثار و خواص جسمی و روحی نقطه مقابل هم بوده و تضاد کامل با هم دارند. رنگ سیاه نیز به مانند رنگ سفید خود نه از ردیف هفت رنگ اصلی است و نه از رنگ های فرعی منشعب از آنها، بلکه رنگ سیاه در اصل چیزی جز فقدان نور و رنگ نیست یعنی اشیاء سیاه به علت جذب کامل همه اشعه رسیده به آنها و امتناع از باز پس دادن ولو جزیی از آن به عنوان بازتاب ما در حقیقت از نظر ظاهر فاقد نور و روشنایی هستند زیرا هیچیک از امواج نوری یا هفت رنگ موجود در نور سفید

۱- رنگ درمانی، پروفسور تراندروز، مترجم قدیر گلکاریان، ص ۳۲.

کامل را از خود نشان نمی دهند. (۱)

رنگ قهوه ای

آدم های قهوه ای را بـدون قسم خوردن می توان باور کرد، یعنی حرفشان سـند است اما طرفـداران این رنگ معمولاً آواره اند (جالب است بدانید که رنگ مورد علاقه آوارگان جنگ جهانی دوم، قهوه ای بوده است). قهوه ای ها یا یک بیماری جسـمی جدی دارند و یا مشکلی که به نظر آنها غیرقابل حل است، پس این افراد از نظر جسمی و روحی در خطرند.

۱- همان، ص ۷۳.

رنگ خاکستری

خاکستری را در کهنسالان و خانه سالمندان باید پیدا کرد، خاکستری مخلوطی از سیاه و سفید است نه قابلیت سیاه را دارد و نه شفافیت سفید را.

سیاه حالت های مرموز و اسرارآمیز را دارد و حرمت و احترام را القا می کند به همین خاطر در میان مسلمان رنگ عزاداری می باشد، سفید با طول موج بالای خود نشانگر غوغا و هیجان است و در سطوح وسیع حالت اضطراب را تداعی می کند به همین خاطر نباید رنگ دیوارها سفید باشد و خاکستری همه چیز را در خود محو می کند. دیدن مداوم آن حس تردید و دودلی و سکون و بی اعتمادی را ایجاد می کند خاکستری مخرب رنگ هاست برای همین اگر به مدت زیادی در معرض این رنگ قرار بگیرید دیدتان نسبت به رنگ های دیگر از بین می رود.

ص:۶۲

رنگ ارغوانی

ارغوانی ها پایشان روی زمین است و سر و فکرشان در ابرها پرواز می کند عاشق دین و عرفان اند. اندیشمند و عاشق مناظره و اثبات حقایق، اما هنوز معلوم نیست که چرا یک دفعه از این رو به آن رو می شوند و بنابراین اصلاً به فکر پیش بینی آنها نباشید تغییر رنگ محبوب با گذشت زمان امری طبیعی است اما اگر ناگهانی باشد خطرناک و بحث برانگیز و عجیب است.

رنگ نیلی

خاصیت خنک کننده دارد و در سطوح جسمی و روحی و احساسی از آن استفاده می شود این رنگ خونریزی را کاهش می دهد و معمولاً برای مشکلات گوش و حلق و بینی از آن استفاده می کنند.

ص:۶۳

خوراکی های نیلی شامل انگور، آلو سیاه، شاه توت است.

رنگ نارنجی

نارنجی پسندها اهل مسابقه و سلطه طلبند و سرشار از آرزوهای دور و درازند. این رنگ سمبل نشاط و شادمانی و از طرفی نشانه دانش و آگاهی است. این رنگ احساسات اجتماعی بودن و شدن را افزایش داده و فعالیت های اجتماع را در افراد تقویت می بخشد.

مؤثرترین بخش بدن انسان را اثر می گذارد. استفاده افراطی از این رنگ سبب نامتعادلی و ناهماهنگی در سیستم عصبی افراد می شود به همین دلیل توصیه می شود که این رنگ به همراه رنگ سبز یا آبی مورد استفاده قرار گیرد.

رنگ نارنجی رنگی است که احساس رضایت و سرزندگی را در انسان ایجاد

ص:۶۴

می کنـد. خوراکی های نارنجی شامل پرتغال، هویج، کدو، ذرت شـیرین و زردآلو است. این رنگ درخشـش و تابندگی فوق العاده ای دارد هنگامی که به قرمز متمایل می شود انرژی زیادی به خود می گیرد و اگر در زمینه قرمز قرار گیرد حالت انفعالی خواهد داشت.

رنگ آبی

حدود ۴۳ سطح کره زمین (دریاها و اقیانوس) به اضافه تمام فضای آسمان را رنگ آبی پوشانده است. دعوت همیشگی بشر به سیر و سـیاحت و نگاه در زمین و آسمان و تماس با طبیعت علاوه بر جنبه آگاهی و توجه به آن از لحاظ رشد عقلی و ... برای برخورداری از اثرات آرام بخش آنها و حفظ تعادل روحی و روانی و عصبی در انسان است. در نتیجه تماس انسان با طبیعت به هر حال با رنگ

ص:۶۵

مفرح و نشاط آوری مانند سبز یا با رنگ آرام بخشی مانند آبی و یا با رنگ متعادل و بی تفاوتی مانند خاکستری سر و کار دارد که برخلاف رنگ های مستقل دیگر برخورد با آنها نه انسان را به طور غیرطبیعی تحریک می کند و نه کسل و ملول و خسته.

قرآن می فرماید:

«إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَهٍ الْکَواکِبِ:

ما آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم».(۱)

ستارگان در شب پدیدار می شوند و در حقیقت نقاط زرد روشنی هستند که

۱- ۶ / صافات.

در دل صـفحه آبی تیره شب می درخشـند. آبی و زرد دو رنگ متضاد هم و شایـد نقاط امیـد و چلچراغ های زیبا و تابنـده در ظلمات و تاریکی هسـتند و این نقاش چیره دست چه زیبا رنگ ها را در کنار هم قرار داده است و هر کـدام تـدبیر خاص خود را دارد.

از امام صادق علیه السـلام درباره رنگ آسـمان نقل شـده است که به مفضّل می فرماید: «ای مفضل در رنگ آسـمان بیندیش که خدا آن را چنین آبی آفریده که موافق ترین رنگ برای چشم است و حتی نظر کردن به آن دیده را تقویت می کند».

رنگ آبی صاف، روشن با طراوت، آرام، شیرین، ساکت (تسلیم شونده) و امیدوار کننده می باشد.

اصولاً رنگ آبی در بین مردم محترم شمرده می شود زیرا در فرهنگ اسلامی

ص:۶۷

مانند آسمان به رنگ آبی بوده و جایگاه فرشته ها و خدا و موجودات پاک می شود، دارای تقدس و احترام خاصی است و گنبدهای آبی رنگ و مناره های آبی به مانند پلی بین زمین و آسمان محسوب می شوند.

آبی ها خلاقند و همیشه فکرهای تازه می کنند و مورد احترام، آرام و دوست داشتنی هستند و احساساتشان را خوب کنترل می کنند. عاشق تنهایی، احساساتی و ملایم اند.

نماد ابدیت و عمق گرایی است. از ویژگی های افراد آبی دوست صلح، مهربانی و هماهنگی است. این رنگ سبب کاهش نبض و فشار خون می شود.

رنگی است که خاصیت ضدعفونی کننده دارد و قابض است. آبی رنگ آرام بخش و تسکین دهنده است و برای ایجاد تمرکز از آن استفاده می شود رنگ

ص:۶۸

آبی معنـای الهی و آسـمانی دارد چه در شـرق و چه در غرب نشانه تقـدس و الوهیت است در معماری ها و کاشـی مساجـد از رنـگ آبی و فیروزه ای اسـتفاده می شود افرادی که به طور دائم در معرض رنـگ آبی قرار گرفته انـد خوی ساکن و خونسـرد پیـدا کرده اند. این رنگ با سبز فیروزه ای فعال می شود و با بنفش به سن پیری می رسد. افرادی که در معرض رنگ آبی تیره قرار می گیرند دچار ترس و وهم و اندوه می شوند آبی از نظر مزه شـیرین است و با شـکل هندسی دایره هم سنگ است و در چین کهن به معنای جاودانگی است.

نور آبی برخلاف نور قرمز، رنگی غیرفعال بوده و خاصیت آرام بخشی و اثر تسکینی دارد. رنگ آبی نه تنها جالب توجه نبوده و انظار را به خود جلب نمی کند بلکه برعکس از انظار مخفی می شود و از این رو در مقام استتار در حملات هوایی

در شب از چراغ هـای آبی رنـگ یـا نور آبی در وسایل نقلیه اسـتفاده می کننـد زیرا چراغ آبی فقط محوطه نزدیک را روشـن کرده و از فاصله دور تشخیص داده نمی شود.

نـور آبی بعـد از طی ده الی بیست مـتر گم می شود زیرا طول موجش چنـان است که نمی توانـد بیشـتر از آن برود بطوری که جـذب اجزای هـوا شـده و ناپدیـد می شـود امـا اگر تشـعشع نور قرمز حـتی یـک دهم نور آبی باشـد بلافاصـله از فواصـل دور تشـخیص داده می شود. همچنین است نور سـفید که از فاصـله چنـد کیلومتری هم قابـل تشـخیص است. آبی رنگ صـداقت و وفاداری است.در فرهنگ اسـلامی چون آسـمان آبی است و جایگاه فرشـته ها می باشـد دارای تقـدس و احترام خاصـی است. آبی محافظ، حساس، جدی، دقیق، دوراندیش، سرد، محصول اثرات محافظتی و تعدیل کننده است.

ذهنیت و مفهوم این رنگ اثر آرام کننده بر سیستم مرکزی اعصاب دارد. فشار

ص:۷۰

خون و میزان دم و بازدم را کاهش می دهـد. رنگ آبی از نظر روانی بر سیسـتم عصبی اثر عکس می گذارد. فشار خون پایین می آید و تنفس و ضربان قلب هر دو کم می شوند و رنگ آبی تیره اثر آرام کننده بر سیستم پارا سمپاتیک انسان دارد.

از لحاظ روانی نوعی تسـکین دهنـده بوده و برای دردهای عصبی بسـیار مفیـد بوده و نور آبی رنگ غیرفعال بوده و خاصـیت آرام بخشی و اثر تسکین دارد.

درمـان خـوبی برای بی خوابی و دل سـرد کننـد گی می باشـد، تحت نفوذ رنـگ آبی کشـش عضـلانی رو به کـاهش می رود بنابراین برای فشار خون خوب بوده و آرام بخش و تسـکین دهنـده است و برای رفع هر نوع تب و آماس از این رنگ اسـتفاده می شـود زیرا اثر خنـک کننـده دارد اشـتها را از بین می برد برای سـرماخورد گی و گلودرد و گواتر مفیـد است همچنین برای برید گی، خراش، سوختگی و رماتیسم کارایی دارد.

ص:۷۱

نقش بعضی از رنگ ها در درمان

قرمز

رنـگ محرک و هیجـان آور است در روان شناسـی رنـگ قرمز به مفهوم اعتمـاد به نفس است از این کار برای درمان ترس از این رنگ بهره می گیرند.

رنـگ قرمز نمـادی از شـهید و شـهادت و فـداکاری در عرصه هـای دینی است. قرمز همیشه نمادی از آتش، شـهوت، جنگ و عشق بوده است. قرمز مانند رنگ جادوگری است و زمانی رنگ قرمز در کنار سیاه، حامی جادوگران بود. پیش از دوران مصر باسـتان از رنـگ قرمز برای محـافظت از آتش بهره می گرفتنـد. هنوز هم لبـاس آتش نشان ها و ماشـین های آتش نشانی قرمز است.

رنگ قرمز بیش از هر چیز باعث تحریک سرخرگ ها می شود که سلامتی و نشاط فراوانی به دنبال دارد و در درمان بی حالی و افسردگی بسیار مؤثر است.

با اینکه رنگ قرمز نشاط آور است اما افراد با نشاط و سرزنده از رنگ قرمز بیزارند. تأثیر روانی رنگ قرمز نشان می دهد که این رنگ بر سیستم عصبی اثر تحریک کننده ای دارد و فشار خون را بالا می برد و میزان تنفس و ضربان قلب را افزایش می دهد.

رنگ سرخ بر سیستم عصبی به خصوص بر اعصاب سمپاتیک اثر تهییج کننده دارد. (۱)

ص:۷۳

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، صفحه ۱۶.

افراد عصبی نبایـد در معرض این رنگ قرار بگیرنـد زیرا موجب تشدید ناراحتی هایشان خواهد گشت. هنگامی که رنگ قرمز فشار خون را بالا می برد و موجب می شود که کشـش عضلانی بدن افزایش یابد و در واقع اثرات آن معادل با فعالیت اعصاب سمپاتیـک است فعـالیت عمومی انسـان و حیوان را زیاد می کنـد. از این خاصـیت در علائم هشداردهنـده و اعلام خطر نهایت استفاده به عمل می آید.

تابلوهای قرمز رنگ خطر و چراغ های قرمز راهنمایی و راننـدگی و چراغ های قرمز چشـمک زن همگی نشان از توجه دادن و آگاه نمودن افراد نسـبت به امر خاصـی است تا به حدی که حتی از عنوان قرمز در وضعیت قرمز حملات هوایی نیز استفاده می گردد.

در بین حیوانات بیشترین تأثیر رنگ قرمز در زنبورها می باشد که به سرعت

ص:۷۴

جذب آن شده و به سوی گل های دارای رنگ قرمز متمایل تر می شوند. (۱)

اشعه قرمز و مادون قرمز خاصیت حرارتی داشته و در اصطلاح به آن «رنگ گرم» گفته می شود و از لحاظ روانی اثر محرک و هیجان آوری دارد و در میان رنگ ها اثر تحریکی آن از همه بیشتر است. برای همین در راهنمایی و رانندگی به عنوان اعلام خطر برای عبور عابرین از چهارراه و نیز ایست اتومبیل ها یا چراغ های خطر عقب اتومبیل ها مورد استفاده قرار می گیرد زیرا رنگ های دیگر این اندازه جلب کننده نبوده و انسان به طور ناخودآگاه بیشتر از هر رنگ دیگری به رنگ قرمز و عکس العمل های روانی حاصله به جهت تحریک اعصاب و تأثیر آن

۱- همان، ص ۹۴.

در فعـالیت عمومی موجب سـلب آسـایش و آرامش می گردد یعنی اگر قرار باشـد همه جا قرمز شود به خصوص قرمز روشن، انسان مـدام به طور ناخودآگاه تحریک می گردد. با توجه به آثار و خواص محرک رنگ قرمز در بـدن اثرات نور قرمز معادل و هماهنگ است با فعالیت اعصاب سمپاتیک که تحریک آن فعالیت عمومی انسان و حیوان را زیاد می کند.(۱)

رنگ قرمز به سـبب جذب انرژی شدید در خود باعث می گردد که تحریکات و احساسات فیزیکی و عوامل و اسـباب فیزیکی فرد بیدار شود و همین بیداری آنها را به شدت به فعالیت وامی دارد. همین رنگ می تواند در درمان سرماخوردگی،

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، صفحه ۹۴.

ناراحتی های گردش خون و وجود عفونت در ریه های مفید واقع گردد. اما ناگفته نماند که این رنگ احساسات مربوط به انتقام، کینه، بی منطقی، جسارت، عشق و سکس را نیز تهییج می کند.

اگر مقدار رنگ قرمز بیشتر مورد استفاده قرار گیرد منجر به ناملایمات احساسی و افسردگی های ناپایدار می شود علاوه بر این باعث افزایش فشار خون در انسان ها نیز می گردد.

قرمزپسندها پر از شوق زندگی، عاشق، مبارزه طلب، پر تکاپو و شجاع، اهل معاشرت، شلوغ و پر سر و صدا هستند. ظاهرا نیرویشان تمام نشدنی است و در مجموع برون گرا هستند.

علاوه بر اثرات روحی و عصبی، نور و رنگ قرمز در فعالیت برخی سلول های

بـدن انسان به طور محسوس مؤثر است به طوری که در اثر تابش مداوم نور قرمز به پوست، گلبول های سـفید خون به مرور به طرف پوست کشیده می شوند و در آن ناحیه بیشتر متمرکز می شوند و فعالیت می کنند.

از این خاصـیت در پزشـکی برای تسریع در درمان برخی از بیماری های ویروسی مانند سرخک و مخملک استفاده می کنند و به همین علت است که در طب سـنتی و به طور تجربی به آثـار و خواص نور قرمز از قـدیم متوجه بوده و در تسـریع درمان این قبیل بیماری ها به روشن کردن لامپ قرمز و نصب پرده های قرمز در اطاق بیمار و نیز پوشاندن لباس های قرمز توصیه می شود که به نظر می رسد این تعلیم به مانند اکثر دسـتورات طب سنتی در شرق ریشه اسلامی داشته و مأخوذ از تعالیم پیشوایان اسلام باشد. رنگ قرمز محرک و هیجان آور

ص:۷۸

است بـاعث ترشـح آدرنالین شـده و جریان گردش خون را سـرعت می بخشـد و نیروی حیات از بین رفته را تجدیـد می کنـد. رنـگ قرمز بـاعث افزایش فشـار خون در انسـان هـا نیز می شود و بـاعث می شود که حرارت و دمـای بـدن انسان بیشتر شود و گردش خون و جریان آن را سریع تر می سازد.

سبز

در قرآن مجید در چندین مورد ضمن بیان خصوصیات زندگی در بهشت، رنگ لباس بهشتیان را سبز معرفی فرموده است:

«مُتَّكِئينَ عَلى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسانٍ:

ص:٧٩

بهشتیان در حالی که بر تکیه گاه های سبز و بساط زیبا تکیه داده اند». (۱)

«عالِیَهُمْ ثِیابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَ اِسْتَبْرَقٌ:

بالاپوش های آنان از دیبای سبز و حریر است». (۲)

«وَ یَلْبَسُونَ ثِیابا خُضْرا مِنْ سُنْدُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ:

و لباس های سبز حریر و دیبا پوشند». (۳)

انتخاب سبز برای لباس های بهشتی به خاطر آن است که رنگی بسیار نشاط آفرین است همانند برگ های زیبای درختان.

۱- ۷۶ / الرحمن.

۲- ۲۱ / انسان.

۳- ۳۱ / کهف.

سبز نمایانگر آرامش، امیدواری، وقار است و از خشم و فشارهای عصبی می کاهد. رنگ سبز مفرّح بوده و تب را کم کرده و در بعضی از اتاق های بیمارستان ها به کار می رود و موجب برانگیخته شدن فکر بوده و راهنمای شکیبایی است که برای معالجه بیماری های عصبی و اختلالات روانی استفاده می شود. این رنگ برای رفع خستگی مفید بوده و قدرت تحمل و صبوری افراد را نیز افزایش می دهد سبز متمایل به زرد احساس جوانی را به وجود می آورد این رنگ به عنوان یک رنگ بهشتی در قرآن مطرح است.

رنگ سبز فشار خون را کاهش داده و خون بافت ها را از میکرب ها پاک می کند اما نقش اصلی آن کمک به از بین بردن مشکلات مهم روانی یا احساسی است. تماس مداوم با آن اشکالی ایجاد نمی کند از این رنگ برای تعدیل نور خورشید و

تأثیر در سیستم عصبی و بی خوابی ها استفاده می کنند. میگرن را تسکین می دهد.

رنگ هماهنگ کننده و شفا دهنده و نیروبخش طبیعی است که اضطراب و تنش های عصبی را از بین می برد و غده هیپوفیز را تحریک می کند. سبز ملایم به رفع سردرد کمک می کند. یکی از خصوصیات رنگ سبز تعدیل بخشی در حرارت و تب بدن است. رنگ سبز روشن که به طیف نوری آبی نزدیک تر است در بسیاری از درمان ها مفید است و بهترین رنگ برای درمان دردها محسوب می شود. این رنگ در تقویت احساسات دوستی، امیدواری، ایمان و صلح بسیار مؤثر است و برای این بیشتر پرچم های کشورهای صلح طلب دارای چنین رنگی هستند. مهم ترین نقطه ای که از رنگ سبز متأثر می گردد قلب است. این حالت باعث می شود که ناراحتی های قلبی، فشار خون زیاد و یا کم، سردردهای

ناموزون و ناهماهنگ، میگرن، بی حالی و سستی در بدن و همچنین رنگ پرید گی از طریق رنگ سبز درمان شوند.

آنچه که نبـایستی در این قضـیه فراموش شود این است که از رنـگ سبز نبـایستی در درمـان بیمـاری هایی از قبیل سـرطان و یا بیماری های غده ای استفاده کرد زیرا رنگ سبز باعث می شود که سرعت رشد و توسعه و پیشرفت هر چیزی افزایش یابد و این رنگ باعث رشد تومورهای سرطانی شده و بسیار خطرناک است.

رنگی هماهنگ کننده و شـفا دهنده و نیروبخشـی طبیعی است اضـطراب و تنش های عصبی را از بین می برد و غده هیپوفیز را تحریک می کند. سبز ملایم به رفع سردرد کمک می کند. این رنگ یکی از آرامش بخش ترین رنگ ها برای چشم

ص:۸۳

انسـان است و در شفابخشـی با رنگ بیشترین مورد اسـتفاده را دارد و همیشه جزء رنگ های باروری محسوب شـده است سبز رنگ زندگی و سلامتی است.

خوراکی های سبز شامل تمامی میوه ها و سبزی های بزرگ است.

یشم سبز (عشق و حرارت و خرد می دهـد) و کهربـای سبز (اسـتقلال و افکـار بزرگ می دهـد) حـد وسـط آبی و زرد است و ایجاد رضایت و آرامش می کند. سبز شـکیبایی، بردباری، تفکر و اعتدال را باعث شده و محرک چشم نیز هست. این رنگ نه سکون آبی و نه هیجان قرمز را دارد و قرآن نیز آن را رنگ بهشتی دانسـته و به اسـتفاده از آن توصـیه کرده. لباس پزشکان در اتـاق عمل سبز است که به دو دلیل اول اینکه بیمار به هنگام دیـدن رنگ سبز در حالت بیهوشـی احساس رضایت و امیـدواری کند و دوم اینکه چون خون زیادی در اطراف اتاق عمل وجود

ص:۸۴

دارد بـا رنگ سبز ترکیب شـده و اثر آن را از بین می برد چون هر دو مکمل هم هسـتند و پزشـکان با آرامش بیشتری کار می کننـد رنـگ سبز مزه نباتـات را تـداعی می کنـد و نوعی مزه تلخی را به خـاطر می آورد رنـگ سبز مفهوم رهایی دارد و حس آبادانی را القا می کند به همین خاطر هنگام خسـتگی به باغ و بوستان پناه می بریم و با دیدن رنگ سبز آرامش و ثبات فکری می یابیم.

آدم های سبز مذهبی هسـتند در انجمن های خیریه یا بیمارسـتان یافت می شوند مضـطرب و انعطاف پذیرند. اگر دنبال شریک (البته شریک تجاری نه زندگی) می گردید سعی کنید سبز باشد (نه اینکه رنگ پوستش سبزه باشد) رنگی مقدس است سبزها اصـلاح گرند و بسـیار علاقه به نصـیحت کردن دارند کوشش و پشتکار عجیبی دارند. رنگ سبز یکی از رنگ هایی است که در جهان بیش از بقیه

ص:۸۵

رنگ ها دیـده می شود این آدم ها حالت آرام بخشـی دارند و به عنوان سـمبل شـفقت، مهربانی و متعادل بودن روح و روان و رفتار به شمار می رود.

نارنجی

این رنگ برای ایجاد شادابی و اعتدال استفاده می شود. رنگ نارنجی اشتهاآور است و مزه مرکبات را دارا است.

اعضای مختلفی از جمله طحال، معده، روده ها و کلیه ها از این رنگ متأثر هسـتند و اگر ناراحتی هایی در این قسمت ها ایجاد گردد رنگ نارنجی می تواند مؤثر باشد. ناراحتی و افسـردگی های شدید می توانند به وسـیله رنگ نارنجی درمان شوند برای رفع ناراحتی های گذرا در سیستم گوارشی نیز استفاده از رنگ نارنجی مفید است.

ص:۸۶

این رنـگ لوزالمعـده،طحـال و شـش ها را تقـویت می کنـد.بنابراین باعث برطرف شـدن برونشـیت، آسم، آنفلوانزا و سرماخوردگی است، تحریک کننده و نیرودهنده است و به پوست شادابی می بخشد.

مؤثرترین بخش بدن انسان، سیستم عضلانی، ماهیچه ای است که به سرعت از این رنگ تأثیر می پذیرد.

بنفش

بنفش، دوست های صـمیمی و حساسـند و ذوق عارفانه دارند گاهی آن قدر صـمیمی می شوند که قضاوت و تصـمیم درست نمی توانند بگیرند. در بالاترین سطوح کارآیی دارد و برای رفع تنش های عصبی و افسردگی بسیار مفید است. در معالجه بی خوابی و مشکلات بینایی و نابسامانی های ذهنی اثر مطلوب

به جا می گذارد.

خوراکی های بنفش شامل: بادنجان، انگور، شاه توت، کلم است.

یاقوت کبود (پشتیبانی مقتدر) فلوریت بنفش باعث برقراری تعادل بدن و آگاهی معنوی می شود.

رنگ بنفش خواب آور بوده و کسانی که به بی خوابی دچار هستند می توانند قسمتی از اتاق خواب یا لوازم آن را بنفش انتخاب کنند.

رنگ بنفش بیشتر از آبی از نظرها مخفی می شود تا آنجا که می توان گفت نسبت به رنگ های روشن در جای خود خفه می شود. این رنگ سرد و تسکین دهنده است و سابقا در پزشکی دردهای ناشی از اسید اوریک و نظایر آن را در مفصل ها گاهی با تاباندن نور بنفش کم و بیش تسکین می دادند.

تماس مداوم با رنگ های آبی و بنفش حتی اگر در سطح وسیعی نیز باشد ایجاد خستگی یا آثار سوء دیگری نمی کنند و لذا می تواند در محیط کار و زندگی مورد استفاده قرار بگیرد. رنگ بنفش نشانه بی خبری و بی اختیاری است.

رنگی مرموز و برانگیزنده احساسات است و به کار بردن این رنگ در سطوح وسیع ایجاد ترس، تردید، تنهایی می کند. بنفش آبی نشانه تنهایی است و بنفش قرمز نشانه عشق یزدانی و سلطه روحانی است.

رنگ بنفش خواب آور بوده و کسانی که به بی خوابی دچار هستند می توانند قسمتی از اتاق خواب یا لوازم آن را بنفش انتخاب کنند.

ص:۸۹

تأثیرات بعضی نورها

تأثیرات بعضی نورها

در رابطه با حقایق اسرارآمیز دنیای رنگ ها بایـد مفهوم نور مشـخص شود. نور در بیابان ساده خود پدیـده ای است که به نام انرژی شـناخته می شود و در واقع نور انرژی است که با قدرت مغناطیسـی خود رنگ و شـکل انرژی مغناطیسـی را تشکیل می دهد. انرژی موجود در نورافشانی خورشید بسیار محسوس است این انرژی در امواج مختلف و گوناگونی که از موی خورشید ساطع می گردد از چیزهـای مختلف گذشـته و یـا انعکاس یافته و از طریق عدسـی چشم انسان قابل درک و حس می گردد و انسان نور را همان گونه که می شناسند درک می کند. (۱)

ص:۹۰

۱- آئین بهزیستی، دکتر احمد صبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، جلد دوم، ص ۴۰.

در حقیقت هرآنچه که در اطراف ما دیـده می شوند و وجود دارند وسـیله ای برای انعکاس نور هسـتند. ما انواری را که دارای فرکانس های بسـیار پایینی هسـتند به رنگ قرمز دیده و انوار با فرکانس های بالا را که دارای امواج شدیدتری هستند به رنگ کبود حس می کنیم.

نور وقتی به جسـمی بخورد تا زمان انعکاس خود هیچگاه قابل رؤیت نیست و همین که نخستین انعکاس صورت گرفت چشـم قدرت دیدن آن را درمی یابد.

اختلاط نورهای مختلف با یکدیگر، جذب و کشـش رنگ ها و نورها، انعکاس آنها و چگونگی شدت و حدّت و سـرعت نور بستگی به ساخت و بافت مولکولی هر جسم دارد به طور فرض اشیایی که به رنگ تیره می شوند نسبت به چیزهایی

ص:۹۱

که رنگ درخشانی دارنـد، نور را در خود جـذب می کننـد و زمانی که نور به چشم اصابت می کند نور کمتری حس کرده و ما آن چیز را تیره تر حس می کنیم.

وسایـل و چیزهـای روشن تر و درخشـان به دلیل اینکه انعکاس نوری زیادی دارنـد ما نیز آنها را درخشان تر و روشن تر درک می کنیم. (۱)

رنگ جزء لاینفک نور است. زمانی که نور به امواج نوری مختلفی تبـدیل می گردد رنگ های گوناگونی را از خود به وجود می آورد. این حالت دقیقا

۱- همان.

شباهت زیادی به منشوری دارد که در برابر شعاع نوری خورشید قرار می دهیم.

زمانی که نور خورشید از قسمتی وارد منشور می شود از طرف دیگر حالت رنگین کمان را پدید می آورد. هر رنگی خصوصیت جذب و انعکاس نوری خاصی نسبت به خود دارد اشیاء نیز به دلیل میزان جذب و انعکاس نوری که به دلیل داشتن رنگ های مشخصی به خود نشان می دهند باعث می گردند که رنگ های آنها قابل تشخیص باشند.(۱)

ص:۹۳

۱- رنگ درمانی، پروفسور تدافوروز، مترجم قدیر گلکاریان، ص ۱۷.

الف نقش اشعه ماوراء بنفش در زندگی

اشعه ماوراء بنفش برعکس اشعه مادون قرمز بیشتر نقش حیاتی دارد و از این رو به آن نور شیمیایی نیز می گویند زیرا اثر مستقیم روی فعل و انفعالات شیمیایی در طبیعت و همچنین در محیط زنده سلولی دارد. مثال ملموس از این موضوع، در کارهای عکاسی است که اگر کاغذ یا فیلم عکاسی در نور معمولی بازگردد فورا خراب می شود زیرا نور سفید دارای اشعه ماوراء بنفش است که فعل و انفعالات شیمیایی را سبب شده و فیلم و کاغذ عکاسی را خراب می کند درحالی که اگر این کار در نور قرمز انجام شود چنین فعل و انفعالاتی رخ نمی دهد.

از جمله موارد دیگری که همگان به تجربه دیده اند شیشه های دارویی و

ص:۹۴

آمپول هـا است که معمولاً ـ از شـیشه هـای رنگی قهوه ای، قرمز، ... اسـتفاده می شود زیرا در اکثر شـیشه هـایی که سـاخته می شوند ناخالصـی هایی مانند سیلیکات ها مقدار زیادی از نور اشعه ماوراء بنفش را جذب می کنند و در نتیجه اگر هم احیانا در جعبه باز بماند مانع فعل و انفعالات شیمیایی می شود در صورتی که اگر شیشه سفید باشد داروها زودتر خراب می شوند. (۱)

اشـعه ماوراء بنفش نور خورشید علاوه بر فواید سیستم آن به طور غیرمستقیم نیز فواید حیاتی دیگری برای انسان دارد. چه اگر این اشعه نباشد سبزینه سازی در گیاهان نیز متوقف می شود و نسل گیاهان از بین می رود. از

۱- آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۲، ص ۳۱.

طرف دیگر چون حیات حیوانات و نیز انسان بستگی به وجود گیاهان و نباتات دارد بنابراین فقدان اشعه ماوراء بنفش منتهی به از بین رفتن گیاهان شده و لذا به طور مستقیم از این طریق سلامت و بلکه حیات حیوانات و بشر را نیز تهدید می کند(۱)

ب نقش نور ماوراء قرمز

علاوه بر اثرات روحی و عصبی، نور و رنگ قرمز در فعالیت برخی سلول های بدن انسان به طور محسوس مؤثر است بطوریکه در اثر تابش مداوم نور قرمز به پوست، گلبول های سفید خون به مرور به طرف پوست کشیده می شوند و در آن

ص:۹۶

۱- آئین بهزیستی، دکتر احمدصبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،اول،ج ۲،ص ۳۱.

ناحیه بیشتر متمرکز می شوند و فعالیت می کنند.

نور قرمز به علت تحریـک اعصاب مناسب با شـرایط خواب نیست زیرا وقتی روز به اقتضای فطرت و طبیعت پایان می پـذیرد تا موجودات زنده به تدریج از حرکت باز ایستاده و بدن آماده برای خواب شود در این حال اگر انسان اتاق خواب را با نور قرمز زینت دهد عملاً منافات با فطرت و طبیعت انسان داشـته و مانع خواب راحت می شود. پس سـنت انتخاب چراغ قرمز برای اتاق خواب از جمله شـیوه هـای غلطی است که ندانسـته مرسوم شـده است امـا در مقابل رنگ آبی برای چراغ خواب رنگ مناسبی است و خواص و آثار آن با حالت خواب و آرامش

ص:۹۷

تطابق دارد.(۱)

ج نور سفید

حرکت و فعالیت عمومی انسان ها و حیوانات به طور طبیعی در روز و آرامش و سکون آنها در تاریکی شب به وضوح نقش فعال نور را عملاً در آزمایشگاه وسیع طبیعت ثابت می کند بطوری که با آغاز سپیده دم تمام جنبندگان به طور فطری خواب و آرامش شبانه را کنار گذارده و شروع به فعالیت و حرکت می کند و با فرا رسیدن تاریکی شب به تدریج دست از حرکت و فعالیت کشیده و در گوشه ای آرام گرفته و یا به خواب می روند و در این میان تنها انسان است که با

۱- همان، ص ۴۴.

آفریـدن امکانـاتی برای روشن ساختن شب بر میزان فعـالیت روزانه خود می افزایـد حـال آنکه در انسـان هـای اولیه نیز روش طبیعی هماهنگ با حیوانات در طبیعت بود به عنوان مثال به تجربه رسـیده است که با روشن کردن قفس پرندگانی مانند قناری در شب، برخلاف سایر قناری ها که قفسشان در تاریکی است آواز می خوانند. نور اثرات مستقیمی در فعالیت سلول های زنده و حـتی اجزاء و عناصر شـیمیایی طـبیعت دارد و اثر انتشـار نـور در هـوا و برخـورد انرژی به اجزاء و عناصـر مختلـف موجبـات تحریک اتمی و افزایش فعالیت الکترونی فراهم می آید(۱)

۱- آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۲، ص ۵۸.

اختلاف شب و روز در قرآن

در قرآن اختلاف شب و روز در آیات متعدد برای تنبه بشر یادآوری شده که مراد نقش ظلمت یا تاریکی، نور یا روشنایی در وضع روحی و حیاتی بشر است و این اصل مهم علمی یعنی اثر فعال کننده نور و نقش آرامش دهنده تاریکی که به نفع سلامت و رفاه حال و حفظ نظام حیاتی او است جزء نعمت های الهی شمرده شده است.

«وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ لِتَسْكُنُوا فيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ:

و از آیات رحمت خداوندی است که برای شما شب و روز را قرار داد تا در شب آرامش گیرید و در روز برای تأمین حیات خود و جلب روزی به

سعی و فعالیت بپردازید و شاید شما قدردان و شکرگذار باشید». (1)

و همچنین می فرماید:

«وَ جَعَلْنا نَوْمَکُمْ سُباتا وَ جَعَلْنَا اللَّیْلَ لِباسا وَ جَعَلْنَا النَّهارَ مَعاشا: (2)

خواب را وسیله آسایش و آرامش قرار دادیم و شب را وسیله پوشش و روز را فرصتی برای تأمین معاش قرار دادیم».

حضرت امام صادق علیه السلام در بیانات خود خطاب به مفضّل می فرمایند:

در منافع غروب آفتاب تأمل کن که اگر آن نبود مردم را قرار و سکون میسر نبود. علیرغم شدت احتیاجی که به خواب و استراحت دارند تا آنکه در استراحت

۱- ۷۳ / قصص.

۲- ۹ تا ۱۱ / نبأ.

شب بدنهایشان از خستگی برآید و حواس ایشان قوت یابد و قوت هاضـمه برای هضم غذا و رسانیدن غذا به اعضاء برانگیخته شـود اگر همیشه روز می بـود حرص و طمـع مردم را بر آن می داشت تـا آنکه پیوسـته کـار کننـد و بـدن هـای خود را رنجور سازنـد بسیاری از مردم چنـان حرص و طمع بر جمع و کسب و ذخیره کردن اموال دارنـد که اگر تاریکی شب مانع نمی شـد، قرار نمی گرفتنـد و چنـدان کـار می کردنـد که خـود را از کـار می افکندنـد. همچنین اگر شب در نمی آمـد زمین از حرارت آفتـاب چنان تفتیـده می شـد که حیوانات و نباتات ضایع می شدنـد پس قادر خبیر به حکمت و تقـدیر خود چنین مقـدر کرده است که آفتاب گاهی غروب می کنـد بماننـد چراغی که گاهی برای اهل خانه برافروزنـد که احتیاجات خود را با آن تمشـیت دهند و گاهی برگیرند که ایشان قرار گیرند و استراحت نمایند. پس

خداوند متعال نور و ظلمت را که ضد یکدیگرند هر دو را برای نظام عالم و انتظام احوال انسان آفریده است. (۱)

د نور آبی

اشعه آبی موجب افزایش فعالیتهای حیاتی سلول ها می گردد لذا نور آبی به سلولهای سفید از سطح پوست به سوی داخل بدن کشیده می شوند. با توجه به اثرات روانی رنگ آبی و بنفش که در مواجهه با آنها انسان آرامش مطبوعی می کند تماس مداوم با این رنگ ها حتی اگر در سطح وسیعی باشد ایجاد خستگی یا آثار سوء دیگری نمی کند و لذا می تواند در محیط کار و زندگی

ص:۱۰۳

۱- توحید مفضل، مجلس سوم، صفحه ۱۲۲.

مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیر رنگ در موجودات زنده

الف تأثیر رنگ در انسان

رنگ آبی، قرمز، سبز، بنفش، سیاه، ... در انسان تأثیرات مختلفی از خود برجای می گذارد.

ب تأثیر رنگ در حیوانات

رنگ در زندگی حیوانات مؤثر است پشه و بسیاری از حشرات از رنگ زرد گریزان هستند و در بعضی باغ ها برای دور شدن حشرات از لامپ های زرد استفاده می کنند. برای پرورش تخم ماهی و اغلب پستانداران و پرندگان در محیط های مختلف و رنگ های مختلف مؤثر می باشد یا پیله کرم ابریشم تحت

ص:۱۰۴

رنگ های مختلف قرار می گیرد و حداقل نمو وزن پیله در بنفش ارغوانی ظاهر می گردد.(۱)

«یَخْتـالُ بِاَلْوانِه» طاووس به رنگ های خود می نازد. «تَخالُ قَصَبَهُ مَداریَ مِنْ فِضَّهٍ» گویا نی های پر طاووس چونان نشانه هایی است که از نقره ساخته «فَاِنْ شَبَّهْتَهُ بِما اَنْبَتَتِ الْاَرْضُ قُلْتَ: جَنًی جُنِیَ مِنْ زَهْرَهِ کُلِّ رَبیعٍ، وَ اِنْ ضاهَیْتَهُ بِالْمَلابِسِ فَهُوَ کَمَوْشِیِّ الْحُلَلِ اَوْ کَمُونِقِ عَصْبِ الْیَمَنِ. وَ اِنْ شاکَلْتَهُ بِالحُلِیِّ فَهُوَ کَفُصُوصٍ ذاتِ اَلْوانٍ قَدْ نُطِّقَتْ بِاللُّجَیْنِ الْمُکَلَّلِ». (۲)

ص:۱۰۵

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمدامین حجتی، نشر جمال، اول، ص ۲۰.

۲- نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، دفتر تبلیغات، چاپ شانزدهم، خطبه ۱۶۵.

اگر رنـگ هـای پرهـای طـاووس را بـه روییـدنی هـای زمیـن تشـبیه کنی خـواهی گفـت دسـته گلی است که از شـکوفه هـای رنگارنـگ گـل های بهاری فراهم آمـده است و اگر آن را با پارچه های پوشـیدنی هماننـد سازی پس چون پارچه های زیبای پرنقش و نگـار بـا پرده هـای رنگارنـگ یمن است و اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی چون نگین های رنگارنگی است که در نواری از نقره با جواهرات زینت شده است. (۱)

۱- نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، دفتر تبلیغات، چاپ شانزدهم، خطبه ۱۶۵.

ج تأثیر رنگ در رشد و نمو گیاهان

رشد گیاهان تحت تأثیر رنگ های مختلف می باشد مثلاً گیاهی که رشد او در حدود ۲۷ میلیمتر در ساعت بود. در شیشه آبی رنگ مطلقا رشد نکرد و در شیشه سفید رنگ تا ۱۰۰ میلیمتر رشد نموده و در شیشه سرخ رنگ به ۳۴۲ میلیمتر رسید.(۱)

رنگ های متعادل در طبیعت

از ترکیب کامل همه هفت رنگ موجود در طیف نور خورشید و خنثی شدن آثارشان با همدیگر رنگ یا نور متعادل سفید بدست می آید.

سلامت چشم و تعادل جسمی و روحی انسان در صورتی بیشتر و بهتر

ص:۱۰۷

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، ص ۲۰.

تـأمین می گردد که تماس دائمی او در زنـدگی روزانه با رنگ های ملایم و متعادل یا رنگ های غیر محرک و یا لااقل رنگ هـای بی تفاوت باشـد. به همین جهت است که در طبیعت نیز متناسب با نیاز طبیعی انسان رنگ های مـذکور اکثریت داشـته و قسـمت اعظم محیط زنـدگی و چشم انـداز ارضـی و سـماوی انسان را این نوع رنگ ها پر کرده انـد که عبارتنـد از رنگ های سبز، آبی، خاکستری.

بطوری که می دانیم قسـمت اعظم کره زمین یا پوشـیده از رنگ سبز است (رسـتنی ها و مزارع و جنگل ها) یا رنگ خاکستری (رنگ خاکی) با مختصـر تغییراتی در جهت روشـنی یا سـیری (تمام سـطح خاکی کره زمین که عاری از گیاهان و جنگل ها و خـاک هـای رنگین معـادن است) و متقابلاً ـ سه چهـارم سـطح کره زمین (دریاها و اقیانوس ها) به اضافه تمام فضای آسـمان را رنگ آبی پوشانده است. آن همه دعوت بشر به سیر در زمین و آسمان و تماس با طبیعت و تأمل در

ص:۱۰۸

چگونگی خلقت آنها در قرآن علاوه بر جنبه تنبّه و عطف توجه به آنها از لحاظ رشد عقلی و پیشرفت های مهم علمی در فرهنگ بشر، برای برخورداری از اثرات آرام بخش آنها و حفظ تعادل روحی و عصبی در انسان است. در نتیجه تماس با طبیعت، انسان به هر حال یا با رنگ مفرح و نشاط آوری مانند سبز یا با رنگ آرام بخشی مانند آبی و یا با رنگ متعادل و بی تفاوتی مانند رنگ خاکستری سر و کار دارد که برخلاف رنگ های مستقل دیگر بخصوص رنگ های مصنوعی برخورد طولانی با آنها نه انسان را به طور غیر طبیعی تحریک می کند و نه کسل و ملول و خسته (مانند رنگ قرمز و رنگ بنفش). (۱)

۱ آئین بهزیستی، دکتر احمد صبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، جلد دوم، ص ۷۳.

انتخاب رنگ مناسب برای نوشتن و خواندن

اصولاً باید به این نکته توجه داشت که انتخاب رنگ برحسب نوع کار و شرایط دید و فعالیت های شغلی و تماس مداوم حرفه ای و حتی محیط زندگی،هم از نظر سلامت چشم و هم از لحاظ حفظ سلامت و اعتدال عصبی و روحی نقش اساسی دارد که از آن جمله است انتخاب رنگ مناسب برای نوشتن.

انتخاب رنگ سیاه یا آبی سیاه یا سرمه ای برای نوشتن و خواندن در زمینه سفید سبب تسهیل وضوح دید و سلامت اعصاب چشم شده و طول عمر و دوران فعالیت طبیعی چشم را بیشتر می کند در حالی که استفاده از رنگ های روشن یا رنگ هایی که نزدیک به رنگ سفید هستند در متن سفید به سرعت چشم را خسته می کند و اعصاب

ص:۱۱۰

آن را به زحمت می اندازد. (۱)

رنگ های روشن

از لحاظ نقش و آثار مختلف رنگ های گوناگون در زندگی بشر یک دسته از رنگ ها تأثیرات مستقیم مثبت در حالات و روحیات و نوع فعالیت انسان دارند و آن رنگ های روشن است.

رنگ های روشن اثرات محرک روانی عمومی داشته و موجب افزایش فعالیت عمومی شخص می گردد و اثرات غیر مستقیمی در افزایش

حرکت و فعالیت و پیشرفت کار و فعالیت های شغلی و حرفه ای دارد.(۲)

۱- همان، ص ۴۹.

۲- همان، ص ۵۵.

پنج رنگ ذکر شده در قرآن کریم

الف رنگ سفید

قرآن دوازده مرتبه سفیدی را در قلمرو کلمه مذکور آورده است. سفید مجموعه رنگ ها می باشد و قرآن هم اولین اشعه های ارسالی از طرف خورشید را به رنگ سفید معرفی فرموده است و سفید از نظر قرآن علامت پاکی ظاهر و باطن است.

بسط دامنه رنگ سفید از ظاهر جماد است تا رفاه بهشتیان مانند:

«بَیْضاءَ لَذَّهٍ لِلشّارِبین: شرابی سفید و روشن که می نوشند و لذت کامل

ص:۱۱۲

می برند».(۱)

نوشابه و شراب طهور که هر لحظه اراده می کنند از پیمانه سیراب می شوند و در عالمی از نشاط و معنویت فرو می روند و آن شراب طهور، شـرابی سـفید و درخشـنده و لذت بخش، شراب پاک و خالی از رنگ های شیطانی و سفید و شفاف است و آن «لَذَّهٍ لِلشّـارِبین» است. یعنی نه مایه فساد عقل است و نه موجب مستی می شود و جز هوشـیاری و نشاط و لـذت روحانی چیزی در آن نیست.(۲)

«کَاَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَکْنُونٌ: گویی آن حوران در سفیدی و لطافت بیض مکنون

ص:۱۱۳

۱- ۴۶ / صافات.

۲- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، ص ۴۴.

هستند. [(۱)]

این توصیف همسران بهشتی است که پاکی و صداقت آنها را می رساند یعنی بدن آنها از شدت پاکی و ظرافت و سفیدی و صفا همچون تخم مرغی است که نه دست انسان آنها را لمس کرده و نه گرد و غباری بر آن نشسته بلکه در زیر بال و پر مرغ پنهان و پوشیده مانده است.

حوریان بهشتی را حوری گویند که سفید پوستند یا سفیدی چشمانشان درخشنده و سیاهی آن کاملاً سیاه است.

در منابع اسلامی نقل شده در هنگام قیامت زمین و عرصه محشر تبدیل به

۱- ۴۹ / صافات.

نـان پـاکیزه و سـفید رنگی می شود که انسـان هـا می تواننـد از آن تغـذیه کننـد تا حسابشان روشن گردد و هر کـدام به سوی سرنوشتشان حرکت کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«اِنَّ اللّهَ تَعالی خَلَقَ الْجَنَّهَ بَیْضاءَ وَ اَحَبُّ شَیْءٍ اِلَی اللّهِ الْبَیاضِ:

خداوند بهشت را سفید آفریده و سفیدی از همه رنگ ها پیش خدا محبوب تر است».

در کتاب اصول کافی به نقل از امام باقر علیه السـلام آمده است: «هیچ بنده ای نیست مگر آنکه در قلبش لکه ای سـفید اسـت وقتی گناهی بکند در این لکه سـفید لکه ای سـیاه پیداست اگر از آن گناه توبه کند آن لکه سیاه پاک می شود و اگر همچنان به گناه خود ادامه دهد لکه سیاه زیادتر می شود تا آنکه همه سفیدی را بپوشاند

ص:۱۱۵

همین که سفیدی پوشیده شد دیگر صاحبش تا ابد به سوی خیر برنمی گردد».

در حدیثی از امام صادق علیه السلام منقول است «کسی که سوره شوری را بخواند روز قیامت با صورتی سفید و درخشنده همچون آفتاب محشور می شود تا به پیشگاه خدا می آید».

سفید رنگی است ملیح و برّاق و گریزاننده میکروب ها و علامت پاکی ظاهر و باطن است.

رنگ سفید در بنیه تمامی طیف ها نهفته و جمع شده است. در سایه این رنگ، سیستم انرژی فرد تمیزتر می شود و فرد می تواند خودش را از آلودگی ها نجات دهد. رنگ سفید ظاهر کننده احساسات، نبوغ و استعدادهای بالقوه فرد بوده و رنگی است که توانائی های فرد را تقویت نموده و باعث می شود توازن انرژی و

ص:۱۱۶

نیرو در فرد فراهم آید. ضمنا این رنگ اگر با رنگ های دیگر آمیخته شود نیرومندتر شده و تأثیراتش افزونتر خواهد شد. رنگ سفید در عین حال که رنگ مستقل و مشخص و در ردیف هفت رنگ اصلی نیست اما با مختصر تغییراتی یا کم و بیش نوسانی خود شامل آثار و خواص مجموع همه آنهاست و به همان لحاظ نور سفید یا روشنایی به طور اعم، یک عامل مهم تحرّک و فعالیت هماهنگ برای زندگی بشر و تمام موجودات زنده است.

ب رنگ زرد

دومین رنگی که در قرآن آمده است رنگ زرد است رنگ خوشخویی و خوشحالی و گرم کنندگی است رنگ روحانی و ایده آل و تحریک کننده فکری و آرام کننده برخی حالات عصبی است.

ص:۱۱۷

خداوند در سوره بقره در مورد این رنگ می فرماید:

«قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّک یُبَیِّنْ لَنا ما لَوْنُها قالَ اِنَّهُ یَقُولُ اِنَّها بَقَرَهٌ صَفْراءُ فاقِعٌ لَوْنُها تَسُرُّ النّاظِرینَ:

باز قوم موسی گفتند از خدا بخواه که رنگ آن گاو را نیز معین فرماید موسی علیه السلام جواب داد خداوند می فرماید: گاوی باشد به رنگ زرد که رنگ آن بینندگان را شاد سازد». (۱)

ماجرای گاو بنی اسرائیل چنین بود: یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته می شود در حالی که قاتل به هیچ وجه معلوم نیست حضرت موسی علیه السلام

۱- ۶۹ / بقره.

به این قوم می گوید که خداوند تبارک و تعالی می فرماید باید ماده گاوی باشد که نه پیر و از کار افتاده و نه بکر و جوان بلکه میان آن دو باشد و گاوی زرد باشد و یک دست که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور کند. اکنون پس از گذشت ۲۰ قرن دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که رنگ زرد موجب مسرت و شادابی است. در جای دیگر قرآن، رنگ زرد را به موی شتر منسوب می دارد تا بیان کند که رنگ زرد حالت گرم کنندگی دارد و قرآن غیر مستقیم آن را به پشم شتر که گرم کننده است می داند.

«اِنَّها تَرْمی بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ. کَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ:

آتش دوزخ شراره هایی چون کاخ پرتاب می کند که شعله اش گویا شتری

ص:۱۱۹

زردفام است».(۱)

در این آیه قرآن آتش جهنم را به شتران زرد رنگ شبیه می سازد که در واقع حکایت از نهایت گرما و نور خیره کننده آن دارد.

رنگ زرد روشن در روز تداعی کننده فعالیت، کار و کوشش به شمار می رود و سمبل خورشید است. رنگ زرد خوشحال کننده و موجب شادابی و نشاط و آرامش است و اگر روشن باشد نگاه به آن سرورآور بوده و خوشحالی بخش است و اگر به نارنجی تمایل یابد اثر نوازش نیز دارد و درخشنده و تابان و هیجان انگیز و مسکّن بوده و نبض را به آرامی زیاد می کند. بچه های

ص:۱۲۰

۱- ۳۳ / مرسلات.

عصبی را می توان به اتاق هایی با پرده لیمویی رنگ تسکین داد. (۱)

بنابراین رنگ زرد که در بالای حد فاصل رنگ متعادلی بمانند سبز قرار گرفته است می تواند به عنوان یک رنگ محرک معتدلی پذیرفته شود.

رنگ زرد در درمان بیماری های پوستی و شفاف کردن پوست نیز مؤثر است و یک نوع تحریک کننده ذهن و هوش دارد که شدیدا موجب تقویت فکر انسان می گردد. استفاده از رنگ زرد برای تقویت فکر و اعصاب مثلاً ـ در امتحانات مناسب است.

زرد مظهر روشنی و نور و نشاط و شادابی است و عنصر عاطفی آن زنده و

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، صفحه ۱۹.

مایه امیدواری و تسکین و انبساط خاطر است و علیه خستگی و افسردگی و اضطراب به کار می رود.

این رنگ در درمان انسان های خودگرا و منزوی مؤثر است و شخص را فعال و پر حرارت می کند. زرد در درمان افسردگی های عصبی به خوبی کارساز است و به عنوان درمان ضد افسردگی شناخته شده است چون این رنگ سیستم عصبی را تحریک می کند به گونه ای که این رنگ را خوراک اعصاب نامیده اند. تأثیرگذارترین نقطه ای که در بدن انسان می تواند از رنگ زرد متأثر گردد، ذهن آدمی است.

رنگ زرد در سیستم عصبی که به طناب عصبی خورشید معروف است متمرکز می باشد. تمامی فعالیت های ذهنی فرد به وسیله نیروی رنگ زرد به

ص:۱۲۲

حرکت درمی آیـد. از طرفی برای از بین بردن ناملایمات روحی و یأس مفید واقع می شود. خوش بینی و اعتماد به نفس را در فرد افزایش می دهد.

سیستم عصبی معـده، روده هـا، کلیه ها و تمامی جهاز هاضـمه تحت تأثیر این رنگ قرار دارنـد و به وسـیله این رنگ می توان آنها را درمان نمود.

رنگی روح بخش و محرک ذهـن اسـت که روحیه را بالاـ می برد و می توانـد افسـردگی را برطرف کنـد. این رنـگ اساسـا بر دسـتگاه اعصاب مؤثر است نیروی عضلانی را تقویت می کند. می توان برای رفع یبوست، نفخ شکم، سوء هاضمه و تپش قلب از آن استفاده کرد اما به هرحال لازم است با احتیاط مصرف شود چون مقدار زیاد آن باعث بروز اسهال می شود.

ص:۱۲۳

ج رنگ سبز

با توجه به آیات قرآنی به نظر می رسد زیباترین رنگی که در قرآن مطرح شده رنگ سبز است که لباس های بهشتیان و جامه های ابریشمی و حریرهای سبز به آن تشبیه شده است.

«أُولئِکَ لَهُمْ جَنّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ یُحَلَّوْنَ فیها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ یَلْبَسُونَ ثِیابا خُضْرا مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَّکِئینَ فیها عَلَی الْأَرائِکِ نِعْمَ الثَّوابُ وَ حَسُنَتْ مُرْتَفَقا:

بهشتیهای عدن که نهرها از زیر درختانش جاری است خاص آنهاست در حالی که در آن بهشت برین زیورهای زرین بیارایند و لباس های سبز حریر و

دیبا پوشند و بر تخت ها به عزّت تکیه زنند».(1)

«مُتَّكِئينَ عَلى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسانٍ:

تکیه کنندگان بر بالش های سبز و زنارهای زیبا»(2)

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسَلَكَهُ يَنابيعَ فِى الْاَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعا مُخْتَلِفا اَلْوانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَريهُ مُصْفَرّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطاما اِنَّ فى ذلِكَ لَذِكْرى لِاوُلِى الْاَلْبابِ:

آیا نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها

(و جویها) روان ساخت، آنگاه انواع نباتات گوناگون بدان برویاند و باز رو به

۱- ۳۱ / کهف.

۲- ۷۶ / رحمن.

خزان آرد و نخست بنگری که زرد شود و آنگاه خدا خشک گرداند؟ در آن صاحبان عقل متذکر شوند».[1]

فلسفه زنده شدن زمین های مرده به وسیله گیاهان سبز در پرتو نزول باران و فلسفه حیات و مرگ است و رنگ طبیعت و علامت بهار، جوانی و رشد و نمو می باشد.

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَتُصْبِحُ الْاَرْضُ مُخْضَرَّةً اِنَّ اللّهَ لَطیفٌ خَبیرٌ:

ای بشر آیا ندیدی که خدا از آسمان آب فرو بارید که زمین را سبز و خرم کرد

ص:۱۲۶

۱- ۲۱ / زمر.

که همانا خداوند را با خلق عنایت و لطف است و به دقیق ترین امور عالم آگاه است». (۱)

قرآن باغ ها و درختان سبزش را بهجت آور ذکر می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ثَلاثَهٌ یُذْهِبْنَ عَنِ الْقَلْبِ الْحُزْنَ اَلْماءُ وَ الْخَضَراءُ وَ الْوَجْهُ الْحَسَنِ:

سه چیز غم و اندوه را از دل می زداید نگریستن به آب و سبزه و روی نیکو»(۲)

۱- ۶۳ / حج.

۲- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد ۱۴، صفحه ۳۷.

رنـگ طبیعی سبز مربوط به گیاهان است و اجتماع آنها که حـدیقه را می سازد مهم ترین اثرش این است که صاحب بهجت و دارنده بهجت هستند و در این صورت سبز، رنگ نیکویی است که شادمانی از آن ظاهر می شود.

در مذهب ما رنگ سبز سمبل ایمان و عقیده، دین و توکل، فناناپذیری و رستاخیز است.

رنگ سبز در بین هفت رنگ موجود در طیف نور سـفید، رنگ وسط و متعادل است و اثر مفرّح و آرام بخشـی ملایم دارد. از این رو سبز روشن برای محیط کار و زنـدگی رنگ مناسبی بود و اثر مفرّح و ملایمی دارد و تماس مـداوم با آن اشـکال ایجاد نمی کند.

د رنگ قرمز

قرآن می فرماید: «وَ تَکوُنُ الْجِبالُ کَالْعِهْنِ الْمَنْفوُشِ:

کوه ها مثل پشم زده شده تلاشی می گردد». (۱)

«عِهْن» به معنای پشم قرمز است این تشبیه اشاره دارد به اینکه در آن روز کوه ها که رنگ های مختلف دارند با زلزله قیامت متلاشی و چون پشم حلاجی شده می گردند.

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفا اَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بیضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُها وَ غَرابیبُ سُودٌ»(۲)

۱- ۵ / قارعه.

۲- ۲۷ / فاطر.

از کوه ها نیز راه های زیادی به رنگ سرخ و سفید و به رنگ های مختلف و گاه کاملاً سیاه خلقت فرموده در ابتدای آیه به نزول باران و سپس به پیدایش جماد و نبات و حیوان اشاره شده و بالاخره در آخر آیه به انسان دانشمند که خشیت دارد پایان می پذیرد و عجیب تر از آن اینکه صفت مشترک قابل بررسی و قابل ذکر در قرآن را برای هر سه مورد (جماد، نبات، حیوان) رنگ دانسته و حتی به سفید و سیاه و قرمز اشاره نموده است و به ارتباط دیدن و پیدایش رنگ های موجودات نیز اشاره شده است.

رنگ قرمز محرک است و نباید افرادی که عصبانی هستند در منزلشان از آن استفاده نمایند ولی به هنگام تغذیه به علت اشتهاآور بودن استفاده از آن مطلوب است و به علت تحریک آمیزی رنگ قرمز که گاه گریه ناشی از نگاه طولانی که

کودک به آن یا سردردی به علت زیاد نگاه کردن به آن ناشی می شود خودداری نمود و از اشعه قرمز برای کودکان بی حس و کم خون و برای افزایش اشتها و تنظیم هضم و تغذیه استفاده می کنند. (۱)

ه رنگ سیاه

در قرآن کریم هفت آیه که کلمه سیاهی را دارد آمده است و در بیشتر موارد در مقابل سفیدی می باشد و از رنگ جاده تا چهره دوزخیان و کسانی که از ولادت دختری ناراحت می شوند به رنگ سیاه تعبیر شده است.

«وَ اِذا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدّا وَ هُوَ کَظیمٌ:

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، ص ۱۸.

هر گاه خبر می آوردند که دختری به خانواده اش افزوده شده است از شدت غم و ناراحتی صورتش سیاه می شد».(1)

مقصود از «سَوْدا» سیاه شدن روی «خشمناک شدن» است و «کَظیم» به کسی گویند که اندوه و خشم خود را فرو می برد. ام حکیم دختر حارث بن هشام عرضه داشت یا رسول اللّه این معروفی که خدا شرط کرده تو را در مورد آن معصیت نکنیم چیست؟

فرمود این است که لطمه به صورت نزنید و چهره خود را نخراشید و روی خود را نکنید و گریبان چاک نکنید و جامه سیاه نپوشید و صدا به واویلا بلند نکنید زنان مکه پذیرفتند

۱- ۵۸ / نحل.

برطبق این شرط بیعت کردند.

رخساره سیاه اهل عذاب

«کَأَنَّما اُغْشِیَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعا مِنَ اللَّیْلِ مُظْلِما اوُلآئِکَ اَصْحابُ النّارِهُمْ فیها خالِدوُنَ:

گویی صورت آنهـا را پاره هایی از تاریکی شب پوشانیـده است گویا می خواهـد بفرمایـد شب ظلمانی تکه تکه شـده و یکی پس از دیگری به روی چهره آنان افتاده و در نتیجه چهره هایشان به طور کامل سـیاه شـده است این مربوط به کسانی است که پشت سر هم مرتکب گناه می شوند و آنهایی که بر خدا دروغ می بندند». (۱)

۱- ۲۷ / یونس.

«فَلَمّا رَاَوْهُ زُلْفَهً سیآئَتْ وُجُوهُ الَّذینَ کَفَروُا وَ قیلَ هـذَا الَّذی کُنْتُمْ بِهِ تَـدَّعُونَ: وقتی آن عـذاب را از نزدیک مشاهده کنند چهره کسانی که کفر ورزیده اند زشت و سیاه گردد و گفتند این همان عذابی است که خواهان آن بودید».(۱)

رنگ سیاه رنگ ابهت است و برای مضطرب نمودن دشمن استفاده شده که این مسأله را اولین دفعه ابومسلم خراسانی برای پیشبرد مقاصد نظامی خود به کار برد. لشکریان هر روز لباس و پرچمی به رنگ مخصوص داشتند. روزی همه چیز سبز بود و روز دیگر زرد و ... بالاخره رنگ سیاه را برای

ص:۱۳۴

۱- ۲۷ / ملک.

مضطرب نمودن انتخاب کرد. (۱)

«وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَااسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ:

در برابر آنها (دشمنان) آن چه توانایی دارید از « نیرو » آماده سازید»(۲)

جالب این است که در روایات اسلامی برای کلمه قوه تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می کند مثلاً در بعضی از روایات می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود منظور از «قوه» تیر است و در روایت دیگری که

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده می خوانیم که منظور از آن هرگونه اسلحه است و

۱- اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی، نشر جمال، اول، ص ۱۹.

۲- ۶۰ / انفال.

باز در روایتی که در تفسیر عیّاشی آمده می خوانیم که منظور از آن شمشیر و سپهر است و بالاخره در روایت دیگر که در کتاب مَنْ لاـ یَحْضُرُهُ الْفَقیه آمده می خوانیم که منظور از آن «مِنهُ الْخِضابُ السَّواد» است. یکی از مصداق های قوه در آیه موهای سفید را به وسیله رنگ سیاه کردن است یعنی اسلام حتی رنگ موها را که به سرباز بزرگسال چهره جوان تری می دهد تا دشمن مرعوب گردد از نظر دور نداشته است و این نشان می دهد که چه اندازه مفهوم «قوه» در آیه فوق صحیح است.(1)

ص:136

1- تفسیر جوان، محمد بیستونی، 27 جلدی، قطع جیبی، جلد 7، ص 227 228.

رنگ پوشش

اشاره

لباس اولین حائل بین بدن و انسان با محیط است در این بین نوع جنس، رنگ، کیفیت و بافت آن از لحاظ گرمی و سردی می تواند مانع انتقال و برخورد برخی از امواج و تشعشعات محیطی به بدن شود.

اگر انتخاب نوع و جنس و رنگ پوشاک با آگاهی و بینش و شناخت صحیح صورت گیرد می تواند نقش مهمی در حفظ سلامتی داشته باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: لباست را آن چنان نیکو انتخاب کن که در میان مردم چون گل باشی. همچنین می فرماید: «اِنَّ اللّهَ یُحِبُّ مِنْ عَبْدِه اِذا اَخْرَجَ اِلی اِخْوانِه اِنّی یَتَهَیَّأُ لَهُمْ وَ یَتَجَمَّلُ مَکارِمَ الْأَخْلاق:

خداوند دوست می دارد از بنده خود که چون نزد برادران خود رود خود را با

لباس خوب مرتب و تزیین و آراسته کند».

ازجمله نکـاتی که بایـد در گـذران زنـدگی به آن تـوجه ویژه داشت مسأله رنـگ پوشـاک است که اغلب افراد نسبت به این موضوع مهم در حداقل اطلاعات سیر می کنند.

رنگ های اجسام بر حسب اینکه بازتاب یک رنگ اصلی از نور سفید باشد یا ترکیبی از چند رنگ اصلی یا فرعی می تواند آثار فیزیکی و فیزیولوژیکی و حتی روانی مخصوص به خود داشته باشد این اصل از نظر حفظ اعتدال جسمی و روحی و نیز تأمین سلامت و آرامش و رفاه بشر و حتی طول عمر و قدرت مقاومت بدن در برابر بیمارهای جسمی و روحی حائز کمال اهمیت است و به همین علت است که انتخاب رنگ لباس و حتی وسایل و لوازم مختلف زندگی و محل کار و مسکن اهمیت دارد.

ص:۱۳۸

در فیزیـک مقـدماتی به کمـک ساده ترین آزمایش ها مثلاً به وسـیله پیچانـدن گرماسـنج به پارچه سـفید و سـیاه و رنگ های مختلف ثـابت می کننـد که حرارت مخصوص تمـام اجسـام به رنـگ های مختلف، مختلف است زیرا اجسام سـفید تقریبا تمام اشـعه نورانی را که دریافت می کنند از خود منعکس می سازند در حالی که اجسام سیاه تقریبا تمام آنها را جذب می نمایند و اجسـام به رنـگ هـای دیگر هرچه به یکی از این دو قطب نزدیک تر باشـند به همان انـدازه گرما را در خود گرفته یا آن را از خود پس می دهند که به عنوان «باز تاب تشعشعات» معروف است.

بازتاب تشعشـعات اجسام در زندگی بشر بی تأثیر نیست بلکه به هر نسبتی که اجسام به ما نزدیک تر شده و تماس مستقیم پیدا می کنند اثرات بازتاب آنها در وجود ما بیشتر است و لباس نزدیک تر از همه است.

ص:۱۳۹

رنگ لباس در اسلام

در اسلام بذل توجه کاملی در انتخاب رنگ لباس صورت گرفته و در مواردی نیز به استفاده از رنگی تأکید و از رنگ خاصی نهی شـده است. به طور کلی از نظر اسـلام بین تمام رنگ های مختلف، بهترین رنگ برای لباس، در درجه اول رنگ سـفید و سپس رنگ های مفرح و شاد است مگر اینکه بر حسب نیاز و مقتضیات فصلی و سنی و غیره استفاده از رنگ خاصی ضرورت پیدا کند.

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«اِلْبِسُوا الْبَیاضَ فَاِنَّهُ اَطْیَبُ وَ اَطْهَرُ وَ کَفِّنُوا فیهِ مَوْتاکُمْ:

جامه سفید بپوشید که آن نیکوترین و پاکیزه ترین رنگهاست و مردگان خود را نیز در آن کفن کنید».

ص:۱۴۰

لازم به ذکر است که بیشترین لباس های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رنگ سفید بود.

درباره زندگی حضرت علی علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام هم نقل شده است که اکثر اوقات لباس سفید به تن می کردند. از امام محمدباقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند:

«لَیْسَ مِنْ ثِیابِکُمْ شَیْءٌ اَحْسَنَ مِنَ البَیاضِ:

هیچ لباسی بهتر از لباس سفید نیست». بازهم از آن حضرت نقل شده است که:

«أَحَبُّ شَیءٍ اِلَی اللّهِ البیاضُ: سفیدی نزد خدا محبوب تر است».

در حال نماز نیز مستحب است نمازگزار لباس سفید بر تن داشته باشد و اگر سفید نباشد رنگ سیر و تیره نداشته باشد.

اینک متقابلاً به اهمیت پوشاک سفید و تأیید و تأکید به استفاده از آن در اسلام

ص:۱۴۱

اختصاراً اشاره می شود:

۱ از جمله مستحبات نماز، پوشیدن لباس سفید است و علاوه بر کراهت استفاده از لباس سیاه در حالت کلی، در حال نماز نیز اختصاصاً پوشیدن لباس سیاه منع شده است و آن را جزو مکروهات نماز معرفی کرده اند.

۲ در مورد لباس ساده احرام در مراسم حج که در حقیقت لباس رسمی در این فریضه مهم است توصیه مؤکد شده است که به رنگ سیاه نباشد حتی در حال احرام خوابیدن بر روی فرش که سفید نباشد مکروه است. لباس سفید احرام امتیازاتی دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود.

الف) علاوه بر اثرات روانی مفرّح، دلگشا، نشاط بخش و محرک، در حال آن عبادت بزرگ کمترین آلودگی را در خود منعکس و مسلمان را وادار به حفظ

حریم نظافت و تمییزی و پاکی لباس می کند که به غیر از مراعات حریم طهارت و نجاست بوده و بالاتر از آن است.

ب) سادگی لباس، شستشو را تسهیل می کند برخلاف لباس های مد روز که به جهت پیچیدگی شکل و برخورداری از انواع دوخت ها، غالبا با یکبار شستشو شکل و فرم آن از بین می رود و همین امر به تنهایی منشأ گرفتاری هایی برای انسان های متمدن امروزی است و نشان می دهد که هرچه زندگی انسان از سادگی و بی پیرایگی فاصله بگیرد بر مشقّات و گرفتارهای او افزوده می شود. لباس احرام نحوه بارزی از سادگی و پوشش است و به همین جهت، استفاده از آن و حفظ نظافت و تمییزی آن بسیار مهم است.

ج) استفاده متحدالشکل و رنگ در پوشش ظاهری در چنان جمعیت عظیم،

ص:۱۴۳

علاوه بر شکوه و عظمت فوق العاده ای که دارد، تشابه اجمالی است در نمایانـدن ارزش و اهمیت وحدت در افکار و عقاید و تشابه در بواطن مؤمنین.

۳ از مستحبات کفن میت سفید بودن آن است. انتخاب پارچه سفید برای کفن میت این اثر را دارد که به جهت دلگشا و مفرح بودن رنگ سفید، از شدت نفرت و کراهت و حساسیت روحی زنـدگان نسبت به اجساد مرده و بی جان میّت می کاهـد در حالی که اگر به رنگ سیاه می بود اثرات روانی به بـدترین حالت بر تشییع کننـدگان و شرکت کننـدگان در مراسم تدفین و تلاوت قرآن بر بالین میّت را می بخشید.

علاوه بر آن، آن چنان که از تعالیم پیشوایان برمی آیـد، انتخاب کفن سفید برای میت اثرات مطلوب در روح خود میّت دارد که در آن حال هنوز معطوف و

متوجه به جسمی است که مدت یک عمر به آن اُنس گرفته و بدین زودی علائقش را از کالبد و قفسی که در آن بوده، قطع نکرده است.

به موجب اخبار و روایات، پس از رنگ سفید، رنگ های روشن زرد و سبز از نظر پیشوایان اسلام بهترین رنگ ها برای پوشاک معرفی گردیده است.

گویند پیامبر صلی الله علیه و آله قبای سبز رنگی داشتند و رنگ سبز را دوست می داشتند و در حدیثی از امام باقر علیه السلام به پوشیدن کفش زرد توصیه شده است متقابلاً در اسلام استفاده از لباس سیاه مؤکدا مکروه و مطرود اعلام شده است و توصیه شده است که حتی الامکان لباس سیاه به کار برده نشود مگر در مقام اضطرار یا به جهات خاص و استثنایی نظیر عزاداری برای معصومین علیهم السلام.

ص:۱۴۵

مراعات نظافت به وسیله رنگ سفید

انتخاب لباس سفید در تمام موارد، به خصوص در رشته های مختلف پزشکی دارای ارزش و اهمیت خاص و استثنایی است که از آن جمله امکان مراعات کامل نظافت و تمییزی لباس است زیرا پارچه سفید به جهت زمینه سفید یکنواخت خود، قادر است حداقل آلودگی به گرد و غبار و مواد زاید محیط را فورا نشان دهد و توجه شخص را برای رفع آلودگی ها فورا جلب نموده و از نظر افکار عمومی شخص را وادار نماید تا دائما لباس خود را تمییز و نظیف نگه داشته و کمترین آلودگی ممکنه را فورا بزداید که مراعات این اصل مخصوصا در شغل و حرفه پزشکی و جلوگیری از سرایت بیماری ها از طریق آلودگی به کثافات و عفونت ها بسیار مهم و مؤثر بوده و مانع انتقال عوامل مولد بیماری به

ص:۱۴۶

اشخاص دیگر می شود. (۱)

ائمه علیهم السلام تأکید داشته اند که مردم از رنگ سفید در پوشش استفاده کنند امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اِلْبِسُوا البَیاضَ فَاِنَّهُ اَطْیَبُ وَ اَطْهَرُ: لباس سفید بپوشید زیرا پاک تر و پاکیزه تر است». (۲)

و نیز فرمودند: «خَیْرُ ثِیابِکُمُ البَیاضُ فَیَلْبِسُوا اَحْیاؤکُمْ وَ کَفِّنُوا فیهِ مَوْتاکُمْ:

بهترین لباس شما لباسی است که به رنگ سفید باشد پس زنده های شما آن را

ص:۱۴۷

۱- آیین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، جلد ۲، ص ۹۳.

۲- منتهی الامال، ص ۱۵.

بپوشند و مرده هایتان را در آن کفن کنید». (۱)

امـام علی بن ابیطـالب علیه السـلام لباس سـفید را به عنوان بهترین لباس انتخاب کرده بودنـد. از امام صادق است که ایشان می فرماید: «کانَ لَها یَلْبَسُ اِلاَّ البَیاضَ اَکْثَرُ ما یَلْبَسُ» علی علیه السلام بیشترین پوشش خود را از لباس های سفید انتخاب می کرد.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«أَحَبُّ شَیْءٍ اِلَی اللّهِ الْبیاضُ: سفیدی از همه رنگ ها نزد خدا محبوب تر است».

«لَیْسَ مِنْ ثِیابِکُمْ شَیْءٌ اَحْسَنَ مِنَ البَیاضِ: هیچ لباسی بهتر

ص:۱۴۸

۱- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۳، باب ۱۳.

از لباس سفید نیست».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَیْسَ مِنْ لِباسِکُمْ شَیْءٌ اَحْسَنَ مِنَ البَیاضِ فَالْبِسُوهُ: از لباس های شما هیچ کدام بهتر از لباس های سفید نیست برای پوشش خود آن را انتخاب کنید».

از سدیر صـرّاف منقول است که به خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و نعلین سفید پوشیده بودم فرمود آیا دانسته این را پوشیده ای پس فرمود هرکه داخل بازار شود و نعلین سفیدی بخرد کهنه نکند آن را مگر آنکه مالی را کسب کند از جایی که گمان نداشته باشد، راوی گوید که سدیر به من خبر داد که هنوز آن نعلین کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی به دستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد است که هرکه نعلین زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان

ص:۱۴۹

به هم رسد.

استفاده لباس سفید برای عروسی به خاطر ایجاد نشاط و وجد در مجالس جشن و سرور و پیوند زناشویی نقش مؤثری دارد و ایجاد جذابیت، تحریک، تشویق و ترغیب برای امر ازدواج می نماید.

لباس سفید خنک کننده خوبی است زیرا تمام اشعه تابیده شده را گرفته و منعکس می سازد و در نتیجه گرمای زیادی تولید نمی کند و مکانیسم طبیعی، تنظیم حرارت بدن که مرکز آن در قاعده مغز قرار دارد آسان تر صورت می گیرد.

اهالی مناطق گرمسیری و اعراب ردای سفید می پوشند.

ص:۱۵۰

لباس زرد

حضـرت امام باقر علیه السـلام پوشیدن کفش زرد را با توجه به اثرات رنگ زرد سفارش نموده است. از زراره منقول است که امام محمدباقر علیه السلام بیرون آمد در حالی که جبّه (۱) خز زرد و عمامه زرد و رداء خز زرد پوشیده بود. در رنگ نعلین و کفش و چگونگی آن بهترین رنـگ هـا در نعلین و کفش، رنـگ زرد است نعلین زرد چشم را جلا می دهـد و غم را برطرف می کند و پاپوش پیامبران است.

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید: «هرکه نعلین زرد بپوشد تا زمانی که آن را پوشیده باشد در شادی و سرور می باشد زیرا که حق تعالی در وصف گاو بنی اسـرائیل می فرماید: «صَـِفْراءُ فاقِعٌ لَوْنُها تَسُـِرُّ النّاظِرینَ: رنگ زرد بینندگان راشاد و مسرور می گرداند». (۲)

۱- کت کوتاه.

۲- ۶۹ / بقره.

رنگ سیاه

سیاه پوشی در اسلام

آنچه در تاریخ اسلام از سیاه پوشی بر جای مانده است به خاطر آگاهی از انهدام ارزش ها در عالم بشریت در هر عصر و دوران بوده است. سیاه پوشی در اسلام از لحاظ احیاء شعائر دینی و زنده ساختن روح وحدت و به خصوص قیام بر علیه ظلم و فساد و ستم و کفر، بسیار مهم و شایان توجه است که نمونه زنده اش امروزه در بزرگداشت مراسم مذهبی سالگرد و شهادت امام حسین علیه السلام با تجدید هر ماه محرمی مشاهده می گردد که باید گفت از موارد معدود و مجاز استثنایی، به جهت اهداف عالیه دینی منظور شده در آن، به شمار می رود و این قبیل استثنائات در اسلام به خاطر برتری و غلبه آثار و نتایج مثبت حیاتی و اجتماعی حاصل از آن است و نه براساس بدعت و سنت، که گرچه ممکن است

ص:۱۵۲

اکثریت عوام نیز از عظمت و اهمیت روح قضیه بی خبر باشند اما از آنجا که در مسیر دین عموما عوام تابع خواص و خواص از روی علم و آگاهی بر فلسفه وجودی قیام عاشورا، چنین مراسمی را هدایت می نماید می توان گفت تا زمانی که سررشته در دست خواص بوده و اکثریت عوام بر اقلیت خواص غالب نیاید، تغییری نه در جهت و نه در هدف و نه در مسیر آن به وجود نخواهد آمد.

اما معذلک شیوع سیاه پوشی در سوگ و ماتم به هر علتی هم باشد به طور ضمنی و جدی حقیقت بزرگی را بر ما مکشوف می سازد و آن وجود آثار و خواص روانی مخصوص در رنگ سیاه است. زیرا با انتخاب دسته جمعی همه قبایل و ملل، مسلم می گردد که این رنگ و این لباس سیاه حداقل نشانه عدم نشاط و وجد و سرور در دل بوده و هم تمایل به ایجاد حال و احساس مشابه در دیگران

ص:۱۵۳

و در محیط زنـدگی است تا شـخص سوگوار سـیاهپوش را از شـرکت در عیش و عشـرت و وجـد و سـرور و شوخی و بـذله تا مدتی معاف داشته و وی را به حال خود رها سازد. (۱)

سیاه پوشی و یاد گذشتگان

کسانی که با تعالیم اسـلامی آشـنایی دارنـد به خوبی واقفنـد که در اسـلام اهمیت زیادی به فراموش نکردن اموات شـده و در ارتباط با این امر، دسـتورات مؤکد خاصی وجود دارد تا آنجا که می توان گفت که بیش از هر مکتب یا کیش و آئینی؛ اسلام به سنت یادآوری اموات اهمیت قائل شده است.

۱ آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۲، ص ۱۱۰.

از نظر اسلام، انسان مؤمن و معتقد به خدا در هر حال و در هر جا و مقامی که باشد به سهم خود دارای ارج و مقام و ارزش خاصی بر وجه تزکیه و تقوی اوست و فرق نمی کند در حیات باشد یا ممات و در هر دو حال یاد او گرامی و یا بودنش برای مؤمنین دیگر نه تنها دارای ارج و بهایی مخصوص به خود است بلکه دارای آثار و نتایج مفید و مثبتی برای هر دو طرف است.

حال آنکه آنچه محسوس و مسلم است این است که امروزه بزرگداشت اموات و زنده کردن خاطره عزیزان از دست رفته خلاصه به چند صباحی سیاه پوشی شده است، نه مراعات دقیق و اصولی احکام و تعالیم همه جانبه اسلام که برای هر کس و برای هر چیزی ارزش و حقی قائل است حتی برای اموات.

متأسفانه آنچه از روال کار و از رواج سنت های زندگی امروزی مسلمانان

ص:۱۵۵

برمی آیـد این است که حـتی تعظیم و تکریم شخصـیت هـای آسـمانی نیز که در قـالب آن همه تعـالیم و دسـتورات مربوط به بزرگداشت چنان شخصـیت ها و ارواح مؤمنین و برخورداری های ناشی از آن مطرح گردیده خلاصه شده در سیاه پوشی شده است. تازه آن همه در شـیعه و غیرشـیعه سالگرد رحلت و شهادت شخصیت ها و پیشوایان عظیم الشأن اسلامی آن قدر عادی و بی اهمیت تلقی شده است که گاهی خیال می کنند به زحمت یاد کردن و چند لحظه متوجه آن خطرات شدن هم نمی ارزد.

آیا شایسـته است تمام شعائر دینی ما در سوگ عزیزان خلاصه به یک پدیده اجتماعی به مانند «سیاه پوشی» خود و سیاه پوشی در و دیوار شود؟ و آیا تنها با سیاه پوشی می توان خاطره خطیر بزرگان را زنده نگه داشته و حق مطلب را ادا

ص:۱۵۶

کرد؟ قطعا این «حداقل» کافی نیست و باید با تأسّی به رفتار و گفتار آن بزرگان، عملاً ـ در مسیر خیر و سعادت فردی و اجتماعی و اجرای توصیه های رهبران دینی همّت گماریم.

چادر سیاه در بانوان مسلمان

با وجود کراهت استفاده از پوشاک سیاه مع ذلک مواردی وجود دارد که به جهت علل و عوامل جنبی دیگری استفاده از چنان پوشاکی را ایجاب می نماید زیرا آثار سوء روانی لباس سیاه در قبال اثرات سوء حیاتی و سرنوشت ساز عوامل مضرتر دیگر نه تنها در حکم عدم است، بلکه به سهم خود وسیله مهم نجات بخشی بشمار رفته و یا در مقامی پوشاک سیاه نقش سنگر و سپر بلا را برعهده می گیرد و آن استفاده بانوان از چنان پوشاکی

در خارج از محدوده خانه و خانواده اصلی و در تماس با مردان بیگانه است.(۱)

نقش دفاعی حجاب

در این مقام بجاست بار دیگر به نقش و اهمیت حجاب و پوشاندن زن خود را از مردان بیگانه، توجه گردد که اگر همراه باایمان و تقوی (حجاب درونی) زن باشد، صد در صد از کید و مکر و اغفال و فریب مردان پست و پلید در امان توانند بود زیرا به برکت ایمان و تقوی، فاسدان بر دل او راهی ندارند تا در آن نفوذ کرده و آن را منقلب سازند، صرفنظر از اینکه به جهت محجوب بودن و پوشیده ماندن اعضاء و جوارح حساس و حتی صورت زن از اغیار نه مورد توجه مفسدان و

۱- آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۲، ص ۱۴۴.

اغفالگران واقع می شود نه آنان به زنی که مورد توجه واقع نشـده طمع می یابند تا زحمت دسیسه چینی برای اغفال و فریب او را بخود دهند و اگر زن از مراتب کمال ایمان و تقوی هم بی بهره باشد باز حجاب ظاهری و چادر سیاه که کمتر از بی حجابی دچـار رنگی جـالب توجه است در دفع بلا نقش مؤثری دارد و همین اصل با وجود نوسانات شدیـد زن ربایی و تعمیم آن، باز در نجـات زن از مهلکه بی تأثیر نتوانـد بود چراکه وقتی زن خود را با پوشـش و آرایش جالبی عرضه نکرده و خودنمائی نکند طمعی بدان شدت در دل های پست و پلید و بیمار ایجاد نمی شود که مورد توجه و سوءاستفاده دیگران قرار گیرد.

مروری عمیق بر گزارش های مستند مذکور از اوضاع جاری جهان طبعا این سؤال را پیش می آورد که زن در برابر مرد و فتنه ها و دسیسه های او چه تکلیف و

وظیفه ای دارد؟ آیـا زن می توانـد در هر جـا و به هر حـال به ادب و احـترام ظـاهری مرد اعتمـاد نمـوده و خـود را بی پروا رها سـازد؟ یا در مقام پیشـگیری از مخاطرات و حملات و تجاوزات به عنف و ربوده شـدن در کوچه و خیابان توسط دیو سـیرتان، می توانـد در عین خودآرایی و خودنمائی و تحریک هوس ها، موفق بوده و در امنیت باشـد؟ یا هرچه می تواند خود را از گود فسـاد کنار بکشـد و بلکه خود را هرچه می توانـد از مرد و تماس مسـتقیم و حضوری با او برحـذر دارد؟ و وقتی معلوم شود به حسب نیاز و اقتضای شـرایط شغلی و حرفه ای و زندگی اجتماعی به ناچار در هر گامی مجبور است با مردی در تماس باشد و امکان ندارد که به سایه پر خیر و برکت خانه و خانواده پناه ببرد و از شـر ددصـفتان برحذر باشد یعنی از تماس مستمر با مرد یا مردانی ناچار باشد. آیا در صورت

خودآرایی و خودنمایی و تحریک امیال و شهوات خفته حتی در مردان پاک و سالم، بیشتر از نعمت و سلامت و امنیت بهره مند تواند بود یا با پوشاندن خود و مرد بیگانه را از امتیازات مقروض خود (اعم از زیبایی طبیعی یا آرایش مصنوعی) بی خبر گذاشتن؟ اینجاست که ارزش حقیقی و نقش دفاعی حجاب ظاهر می گردد.

حجاب دفاعی است عاقلانه و خود در حکم «علاج واقعه را قبل از وقوع کردن» است و پیشگیری از خطر است اما به صورت بسیار موقّرانه و محترمانه، همراه با حفظ عزت نفس و عفت و عصمت و شرافت حقیقی زن که در غیر این سنگر تحصیلش یا حفاظتش از جمله محالات است.

هر زن هوشیار و بیدار و پاکدل و پاک سرشت، پس از درک «موقعیت دردناک

و خطرناک حیاتی و اجتماعی خود در میان انبوهی از وحشیان و درندگان «اسیر شهوات خویش» حتی اگر از ترس اهریمنان و برای نجات نفرت در آنان به جای حجابی از پارچه سیاه حجابی از کرباس یا پارچه ای منـدرس برگزیـده و در ملاء عام ظاهر گردد خلافی نکرده است، چراکه بیش از هرچیز برای هر زن شرافتمندی برخورداری از امنیت و رهایی از تألّمات روحی وارده از وحشیگری های مردان بی بند و بار حائز کمال اهمیت است نه نگاه و نظر و توجهات مردان و زنان دیگر به جهت پوشش و آرایش جالب توجه او!

در چنین شرایطی است که باید گفت نه تنها استفاده از چادر بلکه حتی در مقام دفاع عاقلانه از خود، اگر زن کرباس پوشی را هم پیشه کند جای ملامت نتواند بود چراکه جامعه ای که به حق مسلم وی یعنی «برخورداری از امنیت»

ص:۱۶۲

اعتنا ندارد، جامعه انسانی نیست و در محیط غیرانسانی زشت و زیبا یکی است.

پس اگر زن مسلمان به جای آن چنان افراط ها و تفریط ها، از آن میان برای استتار خود از دیده های تیزبین شهوت بار و ناگوار مردان دیوسیرت، سیاه پوشی را ترجیح دهد. هنوز راه و روش دفاعی ساده و بی تکلفی را انتخاب نموده است که از راه و روش دفاعی زن آلمانی و آموزش دفاع شخصی و همراه بودن اسپری های حامل گازهای اشک آور و اسلحه های گوناگون سرد و غیره به مراتب عاقلانه تر و محترمانه تر است. (۱)

۱ آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۳، ص ۷۳.

(صفحه ۱۶۳)

سیاه پوشی در سوگ زنان قربانی

به یک تعبیر می توان گفت که سیاه پوشی زنان مسلمان، در عصر حاضر می تواند معنا و مفهوم دیگری هم داشته باشد که نه زن مسلمان آگاه، بلکه هر زنی که هم از اوضاع و احوال دردناک جهان و مصائب و بلیاتی که در شرق و غرب بر سر زن آمده و او را قربانی آتش هوس های دیوسیرتانی در سراسر جهان نموده است، آگاه بوده و هم از اصالت فطرت و روح با عاطفه مادری یا زنانگی برخوردار باشد با درک و شرایط حاضر و به خصوص به کار گماردن زنان بی شماری در جهان به کارهای خلاف اخلاق که در حقیقت مرگ روحی و روانی و مصنوعی برای زن است، اعم از اینکه با اغفال یا ربودن به چنان کار پستی وادارش کنند، حق دارد در سوگ مرگ «زنان تیره بخت» اسیر در چنگال

ص:۱۶۴

صاحبان خانه های فساد برای همیشه خود را عزادار و ماتم زده بدانـد و فلسـفه سـیاه پوشـی را بالاتر از محافظت از خود، به عزا نشستن در سوگ زنان قربانی دانسته و تا پایان عمر خود را «سیاه پوش» گرداند.

کجا هسـتند آن روشـنفکران غرب زده ای که در مقام تخطئه و اسـتهزاء بر عقب ماندگی زنان چادری از کاروان تمدن اشـک تمسـاح می ریختنـد؟ کجـا هسـتند آن بی خبران از توطئه های عمیق دشـمنان انسان و انسانیت تا بنگرنـد که امروز زن متمـدن غربی کفنی از لجن بر تن مالیـده و لجن زاری به نـام کنگره فحشـا در قلب اروپا تشـکیل داده و قبل از مرگ حقیقی و طبیعی، روح زن را زنـده زنـده سوزانـده و اگر اعراب جاهلیت دختران را در زیر خاک زنـده به گور می کردنـد، بشـر متمدن غربی و غرب زده روح زن را در گورستانی از تمدن فاقد امنیت زنده به

گور ساخته و گروه کثیری را نیز در لجن زارهایی به نام خانه فساد، زنـده زنـده دفن نموده و بی شـرمانه دم از حقوق بشـر می زند و نغمه عدالت اجتماعی سـر می دهد و نه تنها زنان پاک و سالم را در آتشـی از دلهره و عذاب ناشی از ناامنی می سوزاند و زنـان اغفـال شـده را در باتلاـق هـای متعفـن تمـدن منحـط و منحرف دفـن می کنـد بلکه درد بزرگ تر آن است که اساسـا «احساس درد» را از زنان دیگر جهان نیز می گیرند بطوری که بسان گوسـفندانی که مدام حاضـر و ناظر کشـتار همنوعان خود بوده و هیچ به فکر سـرنوشت مشابهی در مورد خود نیسـتند اینان نیز هر روز شاهد فنا و تباهی صدها و هزاران تن از همجنسان خود در مرداب کثیف فحشا هسـتند و آنها را در حال دست و پا زدن برای نجات خویش می بیننـد و برخاسـتن روح انسانی از کالبد زنانگی شان را به خوبی درک می کنند، اما همگی

خیره خیره بر این تفاله های انسانی بر جای مانده می نگرند و دم نمی زنند. (۱)

چرا اسلام تأکید بر رد و طرد پوشاک سیاه دارد؟

رنـگ سـیاه و تـاریکی برعکس نور و سـفیدی، رنگی است صـامت و مرده و غیرفعـال و بیننـده را نه تنهـا تحریک نکرده و به فعالیت عمومی روانی و جسمانی وادار نمی کند بلکه از فعالیت طبیعی و عادی او نیز کاسته و یا در مواردی متعادل می سازد و کم کم ایجاد کسالت و رخوت و بی حالی می کند زیرا تاریکی یا رنگ سـیاه چیزی جز فقدان نور و روشنایی نیست و بدیهی است نور و روشنایی که دارای هر نوع آثار و خواصی باشد در فقدانش همان آثار و خواص

۱- آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۳، ص ۷۵.

از بین می رود.(۱)

چرا برای عزاداری ها رنگ سیاه انتخاب شده است؟

برای توضیح این موضوع باید به دو اصل مهم اشاره نمود:

الف اعلام عدم آمادگی نسبت به مناسبات گرم اجتماعی:

انتخاب فطری سیاه پوشی در این مقام در حقیقت سمبل فقدان شوق و ذوق بوده و شخص با اختیار کسوت سیاه در حقیقت عملاً ـ می خواهد به دیگران اعلام عدم آمادگی در برقراری روابط گرم اجتماعی یا خویشی و دوستی بمانند شرایط عادی نماید که طبعا توقع مراعات برخی موازین و قراردادهای اجتماعی

۱- همان، ج ۲، ص ۹۶.

را ایجاد نموده و از نظر ادب اجتماعی، پاسخگویی به ابراز میل و علاقه به ایجاد روابط گرم در مصاحبت و معاشرت با دیگران به طور ضمنی وظایفی برای شخص ایجاد می نماید.

ب پیوند عاطفی در میان همه انسان ها:

انتخـاب پوشـاک سـیاه به عنوان علامـت ماتم و عزا و اسـتفاده از آن به عنوان یک سـمبل برای معرفی مراتب تألّمات روحی و اختصاص آن به از دست دادن عزیزان و عمومیت داشـتن آن در میان همه ملل، نشان دهنده عمق ارتباط قلبی و عاطفی موجود بین انسـان هـاست که هر چه ارتبـاط قلبی و پیونـدهای قومی یـا خصوصـیات و امتیـازات انسـانی بین افراد بیشتر باشـد، تألّمات حاصل از فقدان آنان شدیدتر و درد و غم ناشی از جدایی همیشگی آنان بسی عمیق تر است.

ص:۱۶۹

وحدت نظر در انتخاب رنگ سیاه در آن حالات روانی خاص، معرف وجود پیوند عاطفی در میان همه انسان ها، از هر نژاد و زبان و ملیت است که ریشه در عمق فطرت انسان داشته و او را از اندرون با همنوعان خود پیوند می دهد.(۱)

سؤالات مهم پیرامون چادر سیاه

حال پس از درک اوضاع و احوال زمان اگر کسی سیاهپوشی زنان مسلمان را عیب و نقص و یا ننگ بشمارد، نشانه ضبط دِماغ و حماقت و بلاهت او است و اگر آگاهانه و عالماً و عامداً باشد خائن بر عالم بشریت بوده و علامت فقدان آثار وجدان و شرف حقیقی در او است وگرنه با درک اوضاع زمان، هر فرد آگاه و

۱- آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۲، ص ۱۱۰.

منصفی به هر زن مسلمان و شرافتمند این حق را خواهد داد که به جای «سیاه پوشی» و «چادر مشکی» حتی چادری از کرباس بر سر کنند تا کمتر مورد توجه و در نتیجه آزار واقع شود.

اما باید دانست که آنچه تاکنون در تأیید «حجاب» و «چادر سیاه» گفته و اهمیت آن را مؤکداً یادآور شدیم، بدان معنی هم نیست که مراد از حجاب همواره همان «چادر سیاه» است بلکه لازم به یادآوری است که اساسا در تعالیم اسلامی هرگز حجاب به معنی «چادر سیاه» نبوده بلکه مفهوم حجاب تنها در معنی پوشاندن و نمایان نساختن اعضای بدن زن در محدوده حریم شرعی است و تأکیدی بر نوع حجاب به صورت چادر یا بر انتخاب رنگ آن نیست و لذا استفاده از «چادر سیاه» به سهم خود یک انتخاب عرفی مسلمانان است که علاوه بر ایران

ص:۱۷۱

در اغلب کشورهای اسلامی به عنوان «حجاب برتر» از قدیم رواج یافته است.

نکته شایان توجه در این مقام عبارت است از ایجاد برخی سؤالات مهم و اینکه علیرغم کراهت صریح پوشاک سیاه در اسلام از یک طرف و عدم تأکید بر چادر به عنوان حجاب در فتاوی و رسالات عملی:

اولاً: چرا و چگونه زنان مسلمان به عنوان پوشاندن خود از نظر مرد «چادر» را به عنوان حجاب انتخاب نموده است؟

ثانیا: چرا از میان رنگ های مختلف رنگ سیاه را بر سایر رنگ ها ترجیح داده است؟ و همه هم در این مورد با یکدیگر هماهنگ هستند و آن را در حفاظت خود مناسب تر یافتند؟

ثالثا: چرا و چگونه این انتخاب دوگانه فوق در اغلب کشورهای اسلامی

ص:۱۷۲

بطور مستقل و جدا از هم و در عین آزادی عمل خویش همگی چادر سیاه را به عنوان حجاب و پوشش در برابر مرد نامحرم انتخاب کرده اند؟

آن هم با آن فواصل بعید کشورها و عدم امکان ارتباطات سریع و مستقیم در قرون گذشته؟ پاسخ اصولی و منطقی به این سؤال به سهم خود نکات حساس دیگری را بر ما معلوم می دارد از جمله اینکه:

با توجه به مراتب فوق و عدم تأکید و اصرار اسلام یا فتاوی بر انتخاب چنان پوشاکی و با وجود منع استفاده از پوشاک سیاه، آیا چنین انتخاب دسته جمعی جدا از هم این را نمی رساند که زن مسلمان به طور فطری و تجربی خود به آثار و خواص پوشاک سیاه به علت کراهت ناظرین از نظاره کردن به رنگ سیاه در تقلیل امیال و غرایز مرد پی برده و در عمل تنها در استفاده از آن احساس آرامش

ص:۱۷۳

خاطری نموده است؟

و آیا این انتخاب دلالت ندارد بر اینکه پوشاک گشاد و بلندی بمانند چادر با استتار اعضای بدن زن از انظار، مجموعا احساس آرامش و امنیت را در زن به طور حسی و تجربی افزایش داده و از اضطرابات روحی هر زن پارسا و با تقوایی در آن مقام به طور محسوس می کاهد. آری درک کامل مراتب فوق نشان می دهد که:

اولاً: زن از برخورد مستقیم و به خصوص نظاره و نگاه های آلوده مرد در هر جا و در هر عصر و دورانی، همواره معذّب بوده و لذا به صورت دسته جمعی آن طور جدا از هم اما هماهنگ به مرور زمان و پیروی از احساس اصیل فطری، این چنین پوشاکی خود به خود به قامت بانوی مسلمان دوخته شده است.

ص:۱۷۴

ثانیـا: به اقتضـای احسـاس و ادراک فطری، خود زن نیز متوجه گردیـده است که در انتخـاب هر پوشاک رنگی دیگری، در اثر خاصـیت جلب توجه خود رنـگ جـذابیتی که به هر زن می دهـد نظر مرد را بیشتر و کامل تر به خود جلب نموده و با تحریک احساسات و هیجانات جنسی در هرکس و ناکسی، مقدمات عدم امنیت و آرامش خاطر را فراهم می آورد.

ثالثـاً: زن سالم به طور فطری هیـچ نوع گرایش به مردان بیگانه و غیر محارم نـدارد مگر در شـرایط خاص و متناسب با احساس نیـاز روحی و عـاطفی خویش. بنـابراین زن به علت عـدم آمـادگی فطری و متنـاسب بـا احساس نیاز روحی و عاطفی خویش و طبیعی خود در اسـتقبال یا پـذیرش توجهات آلوده مرد و بلکه از کثرت استیصال، مسـلما هر زن ساعی در قبال چنین تمایلاتی، مشکلاتی پیدا

می کنـد و این یک امر طبیعی بوده و دفاع از خود نیز یک اصل فطری است و نه ابداعی و قراردادی. یعنی زنی که سالم مانده و از محور فطرت پـاک و طـبیعی و عواطـف عـالیه روحی و خــدادادی دور نشـده باشـد قهرا و فطرتـا ایـن راه حـل را پس از جستجوهای زیادی هم که باشد پیدا کرده و اختیار خواهد نمود. (۱)

توجه به تمـامی جوانب لازم است که وقتی سـخن از چادر سـیاه برای زن برای مراعات حـدود کافی است. بلکه انتخاب جنس پارچه و سایر شـرایط از گفتار و حرکات و حتی طرز راه رفتن و غیره باید چنان باشد که در مجموع به مهار میل جنسی و عدم تحریک روحی مرد کمک کند و نکته دیگر این است که استفاده از

۱ آئین بهزیستی، احمد صبور اردوباری، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ج ۳، ص ۸۱.

پوشـاک، مشـکلی برای زن تنهـا در محیـط های اجتماعی و در برابر نامحرم است و گرنه در شـرایط عادی که زن با غیر محارم تماس نـدارد، اسـتفاده از پوشاک سـیاه زن برای او هم مکروه است و علاوه بر سایر جهات، در روابط زناشویی نیز اثرات منفی به دنبال دارد زیرا همچنان که دیگران را تحریک نمی کنـد در حالات همسـر نیز اثرات منفی برجای می گذارد تا آنجا که در بعضـی از اشـخاص ممکن است منتهی به ایجـاد بی تفـاوتی نیز بشود. نقطه مقابل این مسأله توصـیه های مؤکـدی است که در مورد خودآرایی زن در مقابل همسر در تعالیم اسلامی وجود دارد. (1)

۱- همان، ص ۱۴۹.

رنگ سیاه همیشه رنگ مطرود نیست

باید متذکر شد که رنگ سیاه به خاطر فقدان بازتاب نور همیشه و در همه جا آثار شوم و نامطلوبی در زمینه روحی انسان باقی نمی گذارد، بلکه در مقامی اگر به جای افکار و احساس های عادی عوام یا حتی خواص ذوق و قریحه هنری به خصوص در نقاشان ماهر یا شعرای خوش قریحه را به خاطر آوریم معلوم می شود که در این مقام ارزش و اهمیت رنگ سیاه که به معنی فقدان نور است همان قدر در عالم هنر اثر و ارزش دارد که سکوت در لابه لای اصوات و الحان هنر موسیقی یعنی احیاء واقعی اصوات و تشخیص و تمییز آنها از هم در حقیقت برمی گردد به اجزاء مختلف سکوت با مدت زمان های متفاوت به عبارت دیگر سیاهی در عالم نقاشی و سکوت در عالم موسیقی به منزله فرورفتگی هایی است

ص:۱۷۸

در اطراف کوه ها و تپه ها و برآمدگی های مختلف سطح زمین که اجازه می دهد آنها اظهار وجود و اعلام موجودیت نمایند که اگر چنین فرورفتگی ها نباشد چنان برجستگی ها هرگز وجود نخواهد داشت.

بنابراین نباید استبعاد کرد اگر گفته شود که رنگ سیاه هرچند در مقامی دارای چنان آثار و خواص مشئوم و نامطلوبی است برعکس در مقام دیگری هم با جمع شرایط بهتر، یعنی دخالت دادن ذوق و قریحه و نبوغ هنری، همین عامل مولد حزن و اندوه قادر است نقش عامل مولد وجد و سرور و تجدید ذوق را برعهده بگیرد.

از این نکته می توان دریافت که گرچه به طور فطری، سیاهی در دل انسان می تواند ایجاد غم و اندوه نماید، اما روح انسان در اصل از چنان مواهب و

امتیـازاتی برخوردار است که قـادر است از خود سـیاهی نیز وسـیله ای برای وجـد و سـرور یا احیاء قلوب و تولیـد شوق و ذوق فراهم کند که مصداقش در آن دسـته از تابلوها و شاهکارهای آثار نقاشـی هنرمندان معروف که متن سـیاه را برای زیباتر جلوه دادن الوان دیگر انتخاب می کنند به وضوح دیده می شود.

نتیجه گیری

۱ خلقت جهان هستی با رنگ عجین گشته و این تقارن و تناسب، زیبائی ها را موجب شده و باعث اعجاب گشته است.

۲ هر رنگی علاوه بر تأثیر در جسم، در روح و روان نیز رسوخ کرده و در این باره بسیار هم کارآمد خواهد بود.

۳ در دین مبین اسلام پیرامون رنگ احادیث و روایاتی آمده است که خود

بیانگر دید وسیع و دقیق اسلام و نگاه ویژه آن به انسان در زندگی او می باشد.

۴ بسیاری از توصیه های دین و آئین ما اسلام، پیرامون رنگ ها و تأثیراتشان از نظر علمی هم مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است که نتیجه آن چیزی جز فرود آوردن سر تسلیم در مقابل این دستورات نیست.

۵ رعایت رنگ های پیشنهادی دین اسلام برای پوشش هایی که در معرض دید هستند و ظهورشان در جامعه بیشتر است در ایجاد آرامش و امنیت تأثیر بسزایی دارد که این نمود تأثیر به تدریج خواهد بود.

۶ با استفاده از رنگ ها می توان در درمان بسیاری از بیماری ها و بهبودی بیماران اگر طبق اصول باشد اثری اعجاب انگیز خواهد داشت.

۷ ما تنها ارزش را به رنگ ها نمی دهیم بلکه در کنار آنها به سیاهی که خود عدم رنگ است نیز در برخی موارد بها و ارزش خاصی می دهیم.

ص:۱۸۱

۸ با توجه به سلایق افراد در انتخاب رنگ ها تا حدودی می توان روحیات آنها را تشخیص داد.

۹ بخاطر تأثیر فراوانی که رنگ ها در زندگی انسان دارند لازم است انسان یک شناخت کلی حداقل از رنگ های اصلی و ویژگی هایشان داشته باشد.

۱۰ انسان در الگوبرداری از طبیعت و الهام گرفتن از تناسب رنگ های آن خیلی خوب توانسته است زندگیش را متنوع و سرشار از نشاط سازد.

۱۱ در میان موجودات آنهایی که یک رنگ دارند و آنهایی که از چند رنگ بهره برده اند همه به نوعی زیبا هستند یعنی سادگی و بسیط زیباست و ترکیب نیز زیباست.

۱۲ یکی از رنگ هایی که زیاد به آن سفارش شده است رنگ سفید است که در ایجاد انرژی و جذب آن نیز بسیار مؤثر است.

ص:۱۸۲

فهرست منابع

آئین بهزیستی، دکتر احمد صبور اردوباری

روانشناسی رنگ ها، دکتر ماکس لوشر، ترجمه ویدا ابی زاده

توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی

اثرات تربیتی رنگ، محمد امین حجتی

تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبائی

تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان

نهج البلاغه، ترجمه استاد محمد دشتی

رنگ درمانی، پروفسور تراند روز، مترجم قدیر گلکاریان

فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، تألیف دکتر محمد بیستونی

ص:۱۹۵

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه آیه اللّه مکارم شیرازی) ،محمد بیستونی،

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

منتهی الامال

لغت شناسی قرآن کریم، تألیف دکتر محمد بیستونی

رنگ جوهاهزاتین، ترجمه محمدحسین حلیمی

ص:۱۹۶

هفت ویژگی منحصر به فرد در آثار مکتوب مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

۱ اعراب گذاری کامل

۲ طرح جلد ابداعی گرافیکی

۳ صفحه آرایی شعر گونه و چشم نواز

۴ آزاد بودن هرگونه نسخه برداری و چاپ با هماهنگی مؤسسه

۵ همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، در صورت سالم بودن پس گرفته می شود

۶ فروش اقساطی به قیمت نقد و با تعیین اقساط توسط خریدار

۷ امضای حداقل یک مجتهد جامع الشرایط به نشانه تأیید محتوا

در صورتی که هر کس از صدر اسلام (۱۴۳۰ سال پیش) تاکنون یک نمونه کتاب قرآنی را با جمع

ویژگی های هفت گانه مذکور، به این مؤسسه ارائه دهد هزینه سفر عمره را جایزه می گیرد.

(قیمت گذاری کل محصولات مؤسسه بر مبنای هفت ویژگی اشاره شده،انجام می شود)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹